

حافظ

# آرشیو دارالحدیث

پاییز ۱۳۹۹

شماره ۷

- |    |  |    |  |
|----|--|----|--|
| ۲۴ | تاریخ سرودن دو غزل حافظ                      | ۳  | ویژه برنامه های بیست و چهارمین یادروز حافظ |
| ۲۷ | گفت و گوی اختصاصی با استاد دکتر سعید حمیدیان | ۲۱ | سیصدوسی و سومین نشست حافظانه               |
| ۲۹ | معرفی کتاب «ایدئولوژی و ادبیات»              | ۲۲ | دو اثر نقاشی خط از استاد علیرضا کریم پور   |



ویژه نامه یادروز  
حافظ

## مطلع سخن

استاد شفيعی کدکني غزلي پرمغز در ستايش حافظ دارد با مطلع:

**مستی و هوشیاری و راهی و رهزنی  
ابری و آفتابی و تاریک روشنی**

که در بردارنده‌ی حقایقی ناب از شعر و اندیشه‌ی حافظی است که بی‌گمان نمایی از حضور او در تاریخ ایران و زندگی ایرانی را پیش چشم می‌آورد:

**نشناخت کس تو را و شگفتا که قرن‌هاست**

**حاضر میان انجمن و کوی و برزنی**

**این‌سان که در سرود تو خون و طراوت است**

**صد بیشه ارغوانی و صد باغ، سوسنی**

**ای هرگز و همیشه و نزدیک و دیر و دور**

**در هر کجا و هیچ‌کجا، در چه مأمنی؟**

**در مسجدي و گوشه‌ی میخانه‌ات پناه**

**آلوده‌ی شرابی و پاکیزه‌دامنی**

**هر مصرعت عماره‌ی اعصار و ای شگفت**

**کاینده را به آینگی صبح روشنی**

بر پایه‌ی این نگاه و دریافت استادانه، شعر حافظ، سراپده‌ای از اندیشه‌های چندبهدی است که به عصاره‌ی اعصار در خویش می‌پرورد و قرن‌هاست که شعر حافظ با صدایی روشن در آفاق طنین‌انداز شده است و اندیشه‌اش طراوت بخش ذهن و ضمیر انسان می‌شود؛ به‌گونه‌ای که ادب‌دوستان با هرنوع سلیقه‌ای حافظ را دوست دارند و در سایه‌سار بوستان غزلش می‌آرامند. آری با همین نام و نشان است که حافظ در پهنه‌های گوناگون زندگی ایرانیان حاضر است و نامه و برنامه‌های ادبی را می‌نگارد، کتاب‌ها و کلاس‌ها از او می‌گویند و رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها از او می‌نویسند.

افزون بر این دور و نزدیک از ادب‌ورزی حافظ بهره می‌برد؛ به‌گونه‌ای که امروزه فراتر از دادوستدهای فرهنگی در خانواده‌ها و اجتماع، هرکسی با کمترین ارتباط در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی از گستره‌ی آفاق شعر حافظ آگاه می‌شود و عظمت جایگاه ادبی وی را درمی‌یابد.

بسیاری از افراد و گروه‌های گسترده در فضای مجازی، روزانه و شبانه، غزل حافظ را به‌عنوان یک فریضه در آیین ادبی و سیر و سلوک فردی و جمعی خویش نشر می‌دهند و چه بسیار از وضعیت‌ها و عنوان‌بندی‌های شبکه اجتماعی که دست‌کم با یک بیت حافظ، سر به عرش می‌سایند و با بالش و نازش بسیار از حافظ‌اندیشی خویش به‌عنوان راهبردی ادبی و رونق‌فزا بهره‌مند می‌شوند و راستی این همه معناگستری و پذیرش همگانی به گفته‌ی خود خواجه، چیزی جز لطف خداداد نیست که: «قبول خاطر و لطف سخن خداداد است».

در نگاهی دیگر، گرچه با همه‌گیرشدن ویروس کرونا حال و روز ایران و جهان مساعد و مناسب نیست؛ اما از آنجا که پاییز با مهر،

آبان و آذرش همیشه بهاری دیگرگون در گستره‌ی فرهنگ و ادب ایران‌زمین است و یادروز حافظ در بیستم مهرماه هرسال بزرگ‌ترین رخداد فرهنگی در سپهر حافظ‌شناسی است؛ باید گفت یادروز امسال دفتري نو از کارنامه‌ی حافظ‌پژوهی پیش روی همگان گشود. کارنامه‌ای پربرگ و بار که هیچ‌سالی از فزونی پژوهش‌هایش کاسته نمی‌شود و همچنان ثابت می‌کند شعر حافظ پیوسته «دفتر نسرین و گل را زینت اوراق» است.

بدیهی‌ست باتوجه به وضعیت کرونایی که همه را در برگرفته و همه‌جا را محدود ساخته است، حافظ‌پژوهان یادروز حافظ، نخستین‌بار در فضای مجازی با مخاطبان حافظ‌دوست خود همراه و هم‌داستان شدند و صراحی به دست، دیگران را از سبوی اندیشه و آگاهی خویش بهره‌ور کردند.

پاییز امسال اما برگ‌ریزان و اشک‌ریزان پردرغی نیز با خود داشت و در آستانه‌ی بیست مهرماه، شاهد پرواز یکی از شکوهمندترین هنرمندان حافظ‌دوست بود که در میان آوازهای سوگمندانه و اندوه‌زا خاکدان فنا را بدرد گفت و آه و افسوس را از نهاد مشتاقان برآورد و او کسی نیست جز «استاد محمدرضا شجریان» که در جهان هنر و موسیقی بیش‌ترین انس را با شعر حافظ داشت و در زندگانی هنروارانه‌ی خویش با توانمندی بی‌مانندی بسیاری از غزل‌های حافظ را با زیباترین و فاخرترین نغمه‌های دلریا و تصنیف، آواز و ترانه‌های جان‌فزا ارائه کرد.

با گرامیداشت نام و یاد خسرو آواز ایران، در درنگ و اسپین‌گفتنی‌ست مرکز حافظ‌شناسی نزدیک به ربع قرن در زمینه‌ی حافظ‌پژوهی و گستره‌ی معنایی شعر حافظ، در میان عام و خاص کوشش‌های پرشماری انجام داده و در این راه همیشه با صاحب‌نظران، حافظ‌شناسان نام‌آور ایران و جهان و همه‌ی حافظ‌دوستان همگام بوده است. مجموع فعالیت‌های مرکز حافظ‌شناسی فراتر از این نوشته و نوشتار است؛ اما رواست که در آستانه‌ی رسیدن به سال ۱۴۰۰ هجری خورشیدی یادآور شود آنچه مرکز حافظ‌شناسی را به‌عنوان نهادی مردمی و غیردولتی در زمینه‌ی کیفیت و کمیت نامبردار کرده است؛ نخست عنایت‌دلاری است که به تعبیر حافظ: «دل سراپرده‌ی محبت اوست». پس از آن، محوریت عشق و طراوت حافظانه است که با حضور استادان گرامی و بلندپایه‌ی جهان، ایران و شیراز، همراه شده و همچنین با کوشش‌های همراهان مرکز حافظ‌شناسی، مدرسان و حافظ‌آموزان درآمیخته است.

امید است این عشق و طراوت همچنان گوهر پرفروغ و همگرای این مرکز باشد تا تلاش‌های شایسته در این عرصه‌ی ادبی و فرهنگی تابان و درفشان ادامه یابد. آیدون باد.

سیدمحمدهادی حسینی

مدیر روابط عمومی مرکز حافظ‌شناسی



# ویژه برنامه یادروز حافظ ۱۳۹۹

به دنبال تأسیس مرکز حافظ شناسی و نام گذاری ۲۰ مهرماه در تقویم رسمی جمهوری اسلامی ایران به نام «روز بزرگداشت حافظ»، نخستین دوره‌ی «همایش بین‌المللی یادروز حافظ» سال ۱۳۷۶ هـ.ش در شیراز برگزار شد و پس از آن، روز بیستم مهرماه هرسال، آیین یادروز حافظ در شیراز و همزمان در دیگر شهرهای مهم ایران و جهان برپا می‌گردد.

شورای پژوهشی مرکز حافظ شناسی هرسال موضوعی را برای برنامه‌های یادروز حافظ اعلام می‌کند و از حافظ پژوهان و دوست‌داران حافظ می‌خواهد که در پیوند با آن موضوع، به پژوهش بپردازند. پس از داوری طرح‌ها و مقاله‌های دریافت شده در شورای پژوهشی مرکز، حاصل بخشی از این پژوهش‌ها در مراسم علمی یادروز حافظ ارائه می‌شود.

از سال گذشته، پس از برگزاری جلسات متعدد، شورای پژوهشی مرکز، موضوع «بررسی، نقد و آسیب‌شناسی کارنامه‌ی حافظ پژوهی» را به عنوان موضوع علمی یادروز حافظ ۱۳۹۹ تعیین کرد و در اردیبهشت‌ماه سال جاری، از سوی دکتر کاووس حسن‌لی، مدیر مرکز حافظ شناسی - کرسی پژوهی حافظ رسماً در رسانه‌ها اعلام شد.

همزمان با تعیین موضوع محوری یادروز حافظ، کارشناسان در مرکز حافظ شناسی، گفت‌وگوها و رای‌زنی‌های متعددی با حافظ پژوهان و پژوهشگران مختلف آغاز کردند و در موضوعات مختلف، پیرامون موضوع محوری یادروز حافظ، مقاله و سخنرانی سفارش دادند. همچنین شورای پژوهشی مرکز با دعوت از برخی استادان و حافظ پژوهان برجسته‌ی کشور، به داوری مقالات پرداختند.



پس از داوری و ارزیابی اولیه‌ی آثار و بررسی نتایج حاصل از ریزنی‌ها، به تشخیص شورای پژوهشی، آثار پژوهشگران براساس موضوع، کارنامه‌ی پژوهشی پژوهشگران و... دسته‌بندی شده و از برگزیدگان برای سخنرانی و ارائه‌ی نتایج پژوهش خود دعوت شد؛ بنابراین آنچه در برنامه‌های علمی یادروز حافظ ارائه شد، دستاورد پژوهش‌هایی است که پژوهشگران محترم در مدت زمان تعیین شده انجام داده‌اند.

گفتنی است، باتوجه به طیف گسترده‌ی مخاطبان شعر حافظ و به فراخور موقعیت زمانی یادروز حافظ، هرسال تنوع نسبی برای موضوع سخنرانی‌های علمی در نظر گرفته می‌شود؛ از همین رو سخنرانی‌های امسال، باتوجه به موضوع اعلام شده، به‌طور کلی رویکردی آسیب‌شناسانه داشت؛ اما این برنامه‌ها برای مخاطبان گوناگون، از تنوعی نسبی برخوردار بود.

آنچه در ادامه می‌خوانید، برخی از مهم‌ترین برنامه‌های مرکز حافظ شناسی - کرسی پژوهشی حافظ برای برگزاری بیست و چهارمین یادروز حافظ (۱۳۹۹) است.

## آیین رونمایی از پوستر و نشست خبری اعلام برنامه‌های بیست و چهارمین یادروز حافظ



بسیاری از مردم ما نیز همچون پناهگاهی مطمئن بوده است.

بنابراین اگر شعر حافظ شعری همه‌زمانی و همه‌مکانی است، باید امروزه ما از راه‌های متناسب و با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید برای رساندن پیام‌های امیدبخش حافظ به مردم جهان معاصر اقدام کنیم.

۲۰ مهر در تقویم ملی ما به نام حافظ مزین شده است، به همین مناسبت بسیاری از نهادها، موسسه‌ها، مراکز علمی و آموزشی در داخل و خارج ایران خوشبختانه برنامه‌هایی را در پیوند با حافظ تدارک می‌بینند. برخی از آن‌ها با مرکز حافظ‌شناسی هم در ارتباط هستند و بسیاری دیگر هم خودشان با ارادت به حافظ برنامه می‌سازند. مرکز حافظ‌شناسی از همه‌ی کسانی که در سراسر جهان برای شناخت حافظ و گسترش شعر و اندیشه‌ی او گام برمی‌دارند، سپاس‌گزار است و فعالیت‌های همگان را ارج می‌نهد و قدر می‌داند.

اما برنامه‌های اصلی یادروز امسال در چند روز برگزار می‌شود: از شنبه ۱۹ مهرماه با آیین گشایش، بیست و چهارمین مراسم یادروز حافظ آغاز می‌شود و تا ۲۳ مهرماه ادامه خواهد داشت.

این برنامه‌ها با پشتیبانی و بسترسازی شرکت دانش‌بنیان ابر دراک و دانشگاه شیراز در سطح بین‌المللی منتشر می‌شود و خوشبختانه امکان بهره‌گیری همگان را فراهم آورده است. همان‌طور که مستحضرد، هر سال به مناسبت یادروز حافظ، مراسمی در شهرهای مختلف کشور و نیز خارج از کشور برگزار می‌شود. یکی از مهم‌ترین

در نشستی خبری با حضور آقایان صابر سهرابی، مدیرکل اداره‌ی فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس و دکتر جعفری، مدیر سازمان فرهنگی-اجتماعی شهرداری شیراز، برنامه‌های بیست و چهارمین یادروز حافظ اعلام شد.

دکتر کاووس حسن‌لی مدیر مرکز حافظ‌شناسی-کرسی پژوهشی حافظ نیز، با ارسال پیامی، برنامه‌های مرکز حافظ‌شناسی-کرسی پژوهشی حافظ را در بیست و چهارمین یادروز حافظ اعلام کرد. در پیام ایشان آمده است:

«پیش از آغاز سخن، ارادت فروتنانه و سپاس بی‌پایانم را تقدیم می‌کنم به همه‌ی پزشکان، پرستاران و همه‌ی کسانی که این روزهای تلخ کرونایی در سراسر جهان برای بهبود حال مردم گرفتار تلاش می‌کنند و از جان خود مایه می‌گذارند.

با توجه به شرایط پیش آمده در کشور مرکز حافظ‌شناسی نیز مانند بسیاری دیگر از نهادهای فرهنگی ناگزیر فعالیت‌هایش را به بسترهای مجازی منتقل کرده است. هم کلاس‌های روزانه‌ی حافظ‌شناسی، هم نشست‌های ماهانه‌ی تخصصی و هم فعالیت‌های گوناگون پژوهشی را. همچنین مرکز در این مدت با درک شرایط ویژه‌ی کشور، در کنار فعالیت‌های دیگری که داشته، برای تولید آثاری هنری در قالب‌های گوناگون از جمله موشن‌گرافیک و انیمیشن اقدام کرده است. شعر حافظ، شعری است پر از امید و انرژی، همواره مخاطبان خود را به شکیبایی در برابر ناملایمات سفارش کرده و به گشایش گره‌ها امید و نوید داده است. به همین دلیل برای روزهای سخت



بخش‌های مراسم یادروز حافظ، برنامه‌های علمی و نشست‌های تخصصی آن در شیراز است که امسال در بسترهای مجازی برگزار می‌شود و فرصت همراهی علاقه‌مندان در سراسر ایران و جهان با این نشست‌ها ایجاد شده است.

مرکز حافظ‌شناسی هرسال موضوعی را برای برنامه‌های علمی یادروز حافظ اعلام می‌کند و از حافظ‌پژوهان و دوست‌داران حافظ می‌خواهد که در پیوند با آن موضوع به پژوهش بپردازند و حاصل بخشی از این پژوهش‌ها در مراسم علمی یادروز حافظ ارائه می‌شود. در سال‌های گذشته موضوعاتی مانند نسخه‌های دیوان حافظ، شرح‌های نوشته شده بر دیوان حافظ، ترجمه‌های شعر حافظ به زبان‌های مختلف، حافظ و قرآن، زیبایی‌شناسی شعر حافظ، تأثیرپذیری‌ها و تأثیرگذاری‌های حافظ و مانند این‌ها موضوع علمی یادروز بوده و در کانون توجه حافظ‌پژوهان قرار داشته است. موضوع برنامه‌های علمی یادروز حافظ سال

۱۳۹۹ که از یک سال پیش اعلام کردیم، «بررسی، نقد و آسیب‌شناسی کارنامه‌ی حافظ‌پژوهی» است.

از همان سال ۱۳۹۸ کارشناسان ما در مرکز، گفت‌وگوها و رای‌زنی‌ها را با حافظ‌پژوهان عزیز آغاز کردند و در موضوعات مختلف مقاله و سخنرانی سفارش دادند. بنابراین آنچه در برنامه‌های امسال ارائه می‌شود دستاورد پژوهش‌هایی است که استادان محترم در این مدت انجام داده‌اند. بنده از همه‌ی استادان ارجمند و حافظ‌پژوهان گرامی که با لطف خود دعوت مرکز حافظ‌شناسی را پذیرفتند و برای تحقیق علمی در موضوع پیشنهادی زحمت کشیدند و نتایج پژوهش خود را در قالب یک گزارش و سخنرانی ارائه خواهند داد، بسیار سپاس‌گزارم. سخنرانی‌های امسال به صورت کلی رویکردی آسیب‌شناسانه دارند؛ اما این برنامه‌ها برای مخاطبان گوناگون هم از تنوعی نسبی برخوردار است. مثلاً:

**استاد بهاء‌الدین خرمشاهی** «بعضی از مهم‌ترین مرجع‌های حافظ‌پژوهی» را معرفی خواهند کرد و جناب

**آقای دکتر میرجلال‌الدین کزازی** در باره‌ی «دوگانه‌گرایی ایرانی در سروده‌های حافظ» سخن خواهند گفت. **آقای دکتر محمود فتوحی رودمعجنی** از «حافظ در چهارسوی نظریه‌های ادبی» بحث خواهند کرد.

تحقیقات دانشگاهی بخشی از پژوهش‌های مربوط به حافظ را نمایندگی می‌کنند؛ در این زمینه، خانم **دکتر سودابه نوذری**، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دکتری را که درباره‌ی حافظ تدوین شده با رویکردی انتقادی بررسی و آسیب‌شناسی می‌کنند و **آقای دکتر محسن معینی** از «رویکردهای کلی به شخصیت و شعر حافظ از سال ۱۳۰۰ تا امروز»

گزارشی تحلیلی ارائه خواهد داد. بخشی از مطالب پیش‌بینی شده مربوط به ترجمه‌هاست؛ جناب **آقای دکتر عبدالمحمود رضوانی** در باره‌ی «مشکلات ترجمه‌ی آثار بزرگانی چون حافظ» صحبت می‌کنند و **آقای پروفیسور حجابی قرلانغیچ**، مترجم محترم دیوان

دائمی‌کسان باشد حال دُورن غوِخوِز

نشست‌های علمی بین‌المللی  
بیست و چهارمین  
**یادروز حافظ**  
24th / Hafez Memorial Day  
11-15 October  
۲۰ تا ۲۳ مهرماه ۱۳۹۹ / ساعت ۱۹  
لینک شرکت در برنامه‌ها از:  
<http://derak.live/stream/hafezstudies>  
@hafezstudiescenter

دکتر سودابه نوذری  
دکتر علاءالدین کزازی  
دکتر محمود فتوحی  
دکتر امیر نادویه  
دکتر میرجلال‌الدین کزازی  
استاد بهاء‌الدین خرمشاهی  
دکتر میر حسینی  
دکتر پیر حسینی  
دکتر روشک اسیری  
پروفیسور ندان فراسایل‌اللو  
پروفیسور حجابی قرلانغیچ  
دکتر بیگ وانگ  
دکتر عبدالمحمود رضوانی  
دکتر محسن معینی

وزیر اسرار و سبب و بود و نه  
شمسه هفتم

حافظ به زبان ترکی استانبولی، در باره‌ی ترجمه‌های استانبولی حافظ و حافظ‌شناسی در دوره‌ی جمهوری ترکیه و خانم دکتر مو هونگ یان از دانشگاه مطالعات خارجی پکن و رییس مرکز ایران‌شناسی این دانشگاه که از استادان و مترجمان شناخته شده‌ی چینی هستند، درباره‌ی ترجمه‌های حافظ در چین سخن خواهند گفت. ایشان مترجم آثار کلاسیک و معاصر ایران هستند و آثار متعددی از ایشان (هم از ادبیات گذشته و هم از ادبیات معاصر) تاکنون منتشر شده است.

همچنین سرکار خانم دکتر روشنک اکرمی؛ حضور حافظ را در دفترهای شعر امسون بررسی می‌کنند و پروفیسور عدنان قره اسماعیل اغلو، از استادان نامدار زبان و ادبیات فارسی از کشور ترکیه، جایگاه حافظ شیرازی را در فرهنگ و ادب آسیای صغیر بررسی خواهند کرد. عنوان سخنرانی سرکار خانم دکتر مریم حسینی «گریز از هژمونی، از سنایی تا حافظ» است، که از همین نظر، جایگاه حافظ را نسبت به شاعران پیش از خود بررسی می‌کنند. می‌دانیم که مردم شیعه مذهب حافظ دوست، دریافت‌ها،

برداشت‌ها و تأویل‌های گوناگونی از شعر حافظ داشته‌اند. با توجه به ایامی که در آن قرار داریم و نزدیکی به اربعین، آقای دکتر غلامرضا کافی که از پژوهش‌گران ادبیات دینی هستند، «بهره‌ی عاشوراییان از شعر حافظ» را بررسی و نقد خواهند کرد.

برنامه‌های یادروز امسال نیز مانند سال‌های گذشته با همراهی و همکاری اعضای ستاد یادروز حافظ برگزار می‌شود. بنده از همه‌ی اعضای محترم ستاد و همراهان گرامی سپاس‌گزارم. اگر پشتیبانی هر کدام از آن‌ها نبود، بی‌گمان بخشی از کار به شایستگی صورت نمی‌گرفت. اما از همکاران پیکار و پرتوانم در مرکز حافظ‌شناسی سپاس ویژه دارم که همگی داوطلبانه و با عشق به فرهنگ این سرزمین و با ارادت به حافظ بزرگ با تلاش شبانه‌روزی در این مسیر، اوقاتشان را خوش و دل‌هایشان را زلال می‌کنند».

در پایان این مراسم نیز، از پوستر یادروز حافظ ۱۳۹۹ که به همت آقای محسن گل‌آرایش، گرافیست و هنرمند شیراز طراحی شده است، رونمایی شد.



## مراسم گل افشانی مزار حافظ شیرازی



مزار خواجه‌ی اهل راز، حافظ شیرازی، به رسم هرساله و همزمان با فرارسیدن بیستم مهرماه، روز بزرگداشت این شاعر پرآوازه گلباران شد.

با توجه به شرایط خاص امسال، در پی شیوع ویروس کرونا در کشور و ضرورت حفظ سلامت افراد، این مراسم به صورت محدود، با حضور سه تن از مسؤولان استان؛ دکتر مصیب امیری، مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری فارس؛ دکتر کوروش کمالی سروستانی، مدیر مرکز اسناد و کتابخانه‌ی ملی فارس و دکتر کاووس حسن‌لی مدیر مرکز حافظ‌شناسی-کرسی پژوهشی حافظ و تعدادی از استادان و حافظ‌پژوهان برگزار شد.

در حاشیه‌ی این مراسم دکتر کاووس حسن‌لی با اشاره به برگزاری برنامه‌های یادروز امسال در فضای مجازی، همگان را به شرکت در این برنامه‌ها دعوت کرد.

دکتر کمالی سروستانی نیز در این مراسم گفت: بیستم مهرماه، روز بزرگداشت حافظ، فرصت مغتنمی است برای انس دوباره با حافظ و افسوس که پاییز امسال، ایران زمین همراه با عشق حافظ، اندوه فقدان رند فرزانه استاد

محمدرضا شجریان را با خود دارد. او از دید موسیقی به شعر نگاه می‌کرد و موسیقی شعر را کشف و دستگاه موردنظر خود را انتخاب و کاری کارستان می‌کرد.

مدیر مرکز سعدی‌شناسی افزود: استاد شجریان با فرهنگ و هنر ایرانی و به ویژه با شعر و ادبیات فارسی، اعم از کلاسیک و نو که با موسیقی ایران پیوندی ناگسستنی و دیرین دارد، آشنایی کامل و جان و روحی فرهیخته داشت و بدین‌گونه است که به ضرورت «از ایران ای سرای امید» دم می‌زند و با اشعار حافظ از بیداد شکوه می‌کند و با سعدی همسفر عشق می‌شود و با مولانا به آسمان‌ها پرمی‌کشد.

پاییز هزاره سیصد و نود و نه  
شماره هفتم



## آیین گشایش بیست و چهارمین یادروز حافظ

### دکتر عنایت‌الله رحیمی، استاندار فارس:

«راه برون‌رفت از تنگنای زندگی عاشقانه زیستن است»

استاندار فارس نیز یادروز حافظ را بهترین فرصت برای نگرستن به آیینی ارزش‌های ماندگار دانست.



عنایت‌الله رحیمی گفت: میراث معنوی بشر در سحر کلام حافظ است. او شراب عشق و عرفان را در جام شعر به کام جان می‌ریزد و اثر ادبی خود را ابدی می‌سازد؛ همچنین در شعر او عشق به عنوان گوهری‌ترین سرمایه انسان ورد زبان است.

وی با بیان اینکه حافظ راه برون‌رفت از تنگنای زندگی را عاشقانه زیستن می‌داند، افزود: کلام حافظ از ژرفنای وجود، انسان را به مروت و مدارا و مهرورزی فرا می‌خواند. است. در شعر حافظ عشق، امید، عرفان، اخلاق و انسانیت همراه با خوشبینی و زیباندیشی دیده می‌شود. رحیمی با اشاره به اینکه ایهام و ابهام ساختار شعر حافظ را چندلایه کرده است، گفت: حافظ پناهگاهی امن است که در تنهایی بی‌روزن آنگاه که خود را گرفتار اضطراب می‌بینیم به دیوان رازآمیزش پناه می‌بریم و از شعر او ندای امید عشق را به گوش جان می‌شنویم.

او شعر حافظ را آینه‌ی مسائل سیاسی و اجتماعی خواند و ادامه داد: حافظ بسیار عریان بر جریان‌های سیاسی زمان خود تاخته و تازیانه‌ی نقدش گروه حاکمان و واعظان و زاهدان ریاکار را هدف گرفته؛ از این منظر در نظر او جامعه آرمانی جامعه‌ای اخلاق‌مدار است.

### صابر سهرابی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس:

«گذر از مصائب در پرتو ادبیات میسر می‌شود»

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس نیز ابراز داشت: امسال یادروز حافظ را در شیوع بیماری برگزار می‌کنیم و ناچار آن را دیگرگونه برگزار کردیم.



صابر سهرابی بیان کرد: این برنامه با همکاری دستگاه‌های هنری و فرهنگی به صورت مجازی برگزار می‌شود و در ادامه با نشست‌های علمی و ادبی پذیرای علاقه‌مندان به حافظ هستیم. وی حافظ را ادیبی خواند که عنصر دانایی و خیال‌انگیزی ادبی را چنان به اوج رسانده که می‌تواند حس شادکامی

مراسم افتتاحیه‌ی یادروز حافظ امسال نیز، در شامگاه ۱۹مهر، مانند دیگر برنامه‌ها، به علت شیوع کرونا، به صورت مجازی از بستر شرکت دانش‌بنیان ابر دراک و شبکه‌ی استانی صداوسیما مرکز فارس پخش شد. در این برنامه، آیت‌الله دژکام نماینده ولی فقیه در فارس و امام جمعه شیراز؛ آقای صابر سهرابی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس؛ دکتر عنایت‌الله رحیمی، استاندار فارس و مهندس حیدر اسکندری‌پور، شهردار شیراز به ایراد سخنان خود به مناسبت بیست و چهارمین یادروز حافظ پرداختند.

### آیت‌الله لطف‌الله دژکام، امام جمعه شیراز:

«محبت به خدا در انسان‌شناسی حافظ نمایان است»

در ابتدای این مراسم، نماینده‌ی ولی فقیه در استان فارس و امام جمعه شیراز طی سخنانی عنوان کرد: عصر و روزگار ما به حافظ به عنوان هنرمندی می‌نگرد که عمق نگاهش تفسیرپویایی



از جهان ارائه می‌کند.

آیت‌الله لطف‌الله دژکام، جهان معاصر را نیازمند حافظ دانست و ابراز کرد: او با عنوان شاگرد مکتب قرآن از حفظ قرآن به مثابه افتخار یاد می‌کند و برداشت او از جهان و انسان مبتنی بر انگاره‌های قرآنی است.

وی با اشاره به غزل حافظ با مطلع «در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد» عنوان کرد: عشق، مبدا آفرینش است و همه عالم آینه وجود خداست.

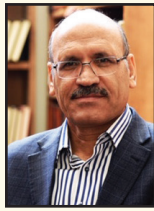
امام جمعه‌ی شیراز افزود: آینه‌کاری حرم‌های اهل بیت (ع) مفهوم عمیقی دارد و بیانگر آن است که عشق در آینه‌های وجود اشیا ظاهر شد و بالا گرفت؛ از همین رو باید گفت که حرکت عالم بر مبنای عشق است.

آیت‌الله دژکام بیان کرد: عشق عمومی در همه عالم سرپا دارد؛ اما در قله و اوج نیست و خود را فدای دوست نمی‌کند؛ بنابراین این باید در جای دیگر جلوه می‌کند. محبت به خدا در انسان‌شناسی حافظ نمایان است.

او با بیان این تفاسیر، از شعر حافظ نتیجه‌گیری کرد که صفای محبتی را که آدم در اوج قله خلاق نسبت به خدا دارد، می‌توان در انسان‌شناسی شاعر شیراز جلوه‌گر دید.

**دکتر کاووس حسن لی، مدیر مرکز حافظ‌شناسی:**  
**«شعر حافظ سخنی همه‌زمانی و همه‌مکانی‌ست»**

دکتر کاووس حسن لی مدیر مرکز حافظ‌شناسی و دبیر علمی بیست‌و‌چهارمین یادروز حافظ نیز، در پیامی تصویری، سخنان خود را به مناسبت بیستم مهرماه ایراد کرد.



ایشان در آغاز سخن، درگذشت استاد آواز ایران، استاد شجریان را تسلیت گفت و تاکید کرد: «بی‌گمان هیچ هنرمندی تا کنون به شایستگی استاد بی‌همتای آواز ایران زنده‌یاد استاد محمدرضا شجریان، شعر حافظ را در ذهن و ضمیر مردم ما نگسترده است. شجریان نام خود را به جاودانگی حافظ گره زده و ماندگار کرده است.»

وی در ادامه با فروتنی و ارادت بسیار، درود برآمده از جان خود را به پیشگاه پزشکان گرانمایه، پرستاران نازنین و یاران مهربانشان تقدیم کرد که در این روزگار تلخ، جان ارزنده‌ی خود را بر کف گرفته‌اند تا بر زخم بیماران دل‌شکسته مرهم بنهند.

او گفت: حافظ یکی از ارزنده‌ترین سرمایه‌های ملی و جهانی ماست. قرن‌هاست که مردم ما در لحظه‌های بحرانی به شعر او پناه برده‌اند و وقت خود را شیرین و حال خود را خوش کرده‌اند.

شعر حافظ سخنی همه‌زمانی و همه‌مکانی‌ست. بسیاری از گفته‌های او همین امروز هم زبان حال مردم ماست. انگار حافظ با ما در همین دوران تلخِ کرونایی زندگی می‌کند، که گفته است:

**مزاج دهر تبه شد در این بلا حافظ**

**کجاست فکر حکیمی و رای برهمنی**

ایشان در پایان سخنان خود از همه‌ی کسانی که برای برگزاری مراسم‌های بزرگداشت حافظ کوشیده‌اند، قدردانی و اعلام کرد که کلیه‌ی برنامه‌های یادروز حافظ امسال در بسترهای مجازی پخش می‌شود.

نشست‌های علمی بیست‌و‌چهارمین یادروز حافظ، از تاریخ ۲۰ تا ۲۳ مهرماه ۱۳۹۹، در قالب چهار نشست برگزار شد. این برنامه‌ها که مورد توجه و استقبال مخاطبان گسترده‌ای از داخل و خارج قرار گرفت، هر شب ساعت ۱۹، به صورت برخط، از بسترهای مجازی پخش شد.

را القا کند. به گفته مدیرکل فرهنگ و ارشاد فارس، این نوع آگاهی تا امروز برای همه ما ثابت شده و نشان آن کتاب حافظی است که در کنار قرآن قرار دارد.

سهرابی تاکید کرد: در گیرودار دل نگرانی امروز مردم از بیماری و شرایط سخت و طاقت‌فرسای این روزها به یقین نشاط اجتماعی در مسیر گذر از مشکلات برای مردم حرف اول را می‌زند و در این وضعیت، بهترین نسخه برای آرامش یافتن ادبیات است؛ در واقع گذر از مصائب در پرتو ادبیات میسر می‌شود.

وی ادامه داد: در خاستگاه ادیبان ایران حافظ تأثیرگذارترین است و برای همه‌ی دنیا کلماتی دارد که در زمان و مکان نمی‌گنجد.

او با بیان اینکه حافظ خوش‌بودن را در سختی‌ها فخر می‌داند، اظهار کرد: در مقابل، از دید او، رنجش خاطر کفر است و رازداری مهم‌ترین راه نجات؛ بر همین اساس زیباترین و مهم‌ترین پیام حافظ به مردم همه‌ی زمان‌ها شادی و نشاط است که از سر صبوری کردن در وجودشان متواتر خواهد شد.

**مهندس حیدر اسکندریپور، شهردار شیراز:**  
**«در جهان جنگ طلب به مهربانی حافظ نیاز داریم»**

شهردار شیراز نیز در پیامی عنوان کرد: بیستم مهرماه یادآور فرزانی شعر و هنر و مهربانی است و یادروز شاعری بزرگ و حکیمی فرزانه است.



حیدر اسکندریپور حافظ را حافظه ما و آینه‌دار تاریخ دانست و بیان داشت: شعر او بیانگر دغدغه‌ها، آرزوها و رازهای این ملت است.

او با بیان اینکه در پیشینه فرهنگی این مردم حافظ پیشتاز فرزانی است، ادامه داد: غزل‌های حافظ بازتابی از زندگی این مردم، آمال و آرزوهای آنان بوده و هست؛ به همین دلیل عارف و عامی آرزوهای خود را در غزل‌های حافظ می‌جویند.

شهردار شیراز تاکید کرد: در دنیای پیچیده و جنگ طلب امروز بیش از هر زمان دیگر به مهربانی و فرزانی حافظ نیاز داریم. غزل‌های حافظ می‌تواند راهگشای دردها باشد و او همچون همشهری دیگرمان سعدی نماد صلح و مدارا و مهربانی است.





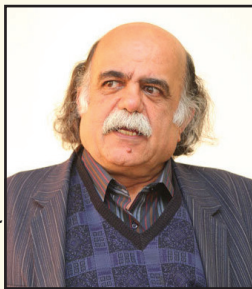
## نشست‌های علمی بیست و چهارمین یادروز حافظ

که به سرپرستی عبدالله جاسبی و سرویراستاری بهاء‌الدین خرمشاهی منتشر شده، مرجعی چندسویه در حافظ‌شناسی و حافظ‌پژوهی معرفی کرد.

**حافظ‌پژوهان و حافظ‌پژوهی** اثر ابوالقاسم رادفر و **کتاب‌شناسی حافظ** اثر مهرداد نیک‌نام مراجع دیگری بود که در این سخنرانی معرفی شد. استاد خرمشاهی تأکید کرد: زمان کوتاه این سخن اجازه نمی‌دهد تا به آثار دیگر اشاره شود که نشانه‌ی نادیده‌انگاشتن یا کم‌اعتبار پنداشتن آن‌ها نیست.

دکتر میرجلال‌الدین کزازی  
«دوگانه‌گرایی ایرانی در شعر حافظ»

دومین سخنران این نشست، دکتر میرجلال‌الدین کزازی، استاد بازنشسته‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران بود که سخنرانی خود را با موضوع «دوگانه‌گرایی ایرانی در شعر حافظ» آغاز کرد.



وی با بیان این مقدمه که: پایگان پایه و مایگان مایه‌ی اندیشه‌ورزی و جهان‌بینی ایرانی «دوگانه‌گرایی» است، گاه آشکار و گاه نهان، این پرسش را مطرح کرد که چرا دوگانه‌گرایی بستر اندیشه‌ورزی ایرانی شده و بازتابی گسترده در دیوان خواجه یافته است؟

استاد بازنشسته‌ی زبان و ادبیات فارسی توضیح داد: اگر بخواهم یک پاسخ بدهم این است که سرشت و ساختار اندیشه‌ی ایرانی را دو ناساز می‌سازند که ناچارند از همسازی با یکدیگر. ساختار و سرشت اندیشه در ایران از گونه‌ی حماسی است. این دوگانه‌گرایی در درازنای تاریخ و فرهنگ ایران کاربرد داشته است، تا آنجا که به قلمرو زبان نیز راه یافته و واژگان را هم در بر گرفته است. واژگان به دو گونه، بخش می‌شوند: گونه‌ی اهورایی واژه و گونه‌ی اهریمنی. ایرانیان در گذشته روا نمی‌داشتند که این دو گونه را باهم درآمیزند. ما در زبان فارسی با واژگانی روبه‌رویم که هم‌معنی هستند اما کاربرد متفاوت دارند: دین و کیش، کالبد و تن، دهان و پوزه و... دهانی را پوزه می‌خوانیم که خوشایند نیست، اهریمنی است. دکتر کزازی گفت: مایه‌ی شگفتی نیست اگر این دوگانگی

## نخستین نشست علمی بیست و چهارمین یادروز حافظ

نشست علمی بیست و چهارمین یادروز حافظ، در تاریخ ۲۰ مهرماه ۱۳۹۹ برگزار شد. این نشست، با حافظ‌خوانی دکتر فرزانه معینی آغاز شد و با سخنرانی سه تن از حافظ‌پژوهان بنام کشور ادامه یافت.

استاد بهاء‌الدین خرمشاهی  
«بعضی از مراجع حافظ‌پژوهی»

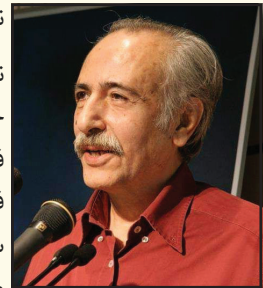
نخستین سخنران این

نشست، استاد بهاء‌الدین خرمشاهی، عضو پیوسته‌ی فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود. ایشان در آغاز سخن، از مرکز حافظ‌شناسی و دکتر حسن‌لی، مدیر مرکز، که در برگزاری برنامه‌های ارزشمند علمی مربوط به حافظ همیشه نقشی شایسته دارند، سپاس‌گزاری کرد.

سپس معرفی بعضی از مهم‌ترین منابع حافظ‌پژوهی را با کتاب **حافظ** (نشر ناهید) آغاز نمود. در این کتاب که به قلم خرمشاهی تدوین گردیده، ۱۱۰ اثر حافظ‌پژوهانه و دیوان حافظ معرفی شده است. وی یادآوری کرد آنچه در این فرصت خواهم گفت، گزیده‌ای از محتوای همین کتاب است.

تصحیح قدسی شیرازی، علامه قزوینی و هوشنگ ابتهاج (سایه) نسخه‌هایی از دیوان هستند که از نظر استاد خرمشاهی در حافظ‌پژوهی ارزش ویژه دارند. وی در میان واژه‌نامه‌های دیوان حافظ، دو اثر را شایسته‌ی توجه دانست: **فرهنگ اشعار حافظ** از احمدعلی رجایی و **کلک خیال‌انگیز** از دکتر پرویز اهور. همچنین **فرهنگ واژه‌نمای حافظ**، اثر مهین‌دخت صدیقیان را اثری سودمند در تحقیقات حافظ‌پژوهانه خواند.

از نگاه این حافظ‌پژوه نامدار، در میان شرح‌های منتشرشده، **شرح سودی**، **شرح هروی**، **حافظ‌نامه**، **شرح شوق** و **شرح عرفانی غزل‌های حافظ** آثاری گره‌گشا هستند. عضو پیوسته‌ی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، **دانشنامه‌ی حافظ و حافظ‌پژوهی** را



در سروده‌های حافظ نیز بازتابیده باشد. سخنوری که پس از فردوسی، نماینده‌ی ناخودآگاهی تباری ایرانی است. در این بیت، بستر پندارشناختی، دوگانه‌گرایی ست و حافظ دو سامانه‌ی ناساز را روبه‌رو نهاده است: «به می سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید/ که سالک بی‌خبر نبود ز راه و رسم منزل‌ها». می و سجاده روبه‌روی هم نهاده شده است.

یا در بیت «یادباد آنکه خرابات نشین بومد و مست / و آنچه در مسجد امروز کم است آنجا بود» خرابات و مسجد در برابر همدند. در این بین نیز مدرسه در برابر خانقاه و میکده نهاده شده است: «حدیث مدرسه و خانقه مگوی که باز/ فتاد در سر حافظ هوای میخانه».

### دکتر محمود فتوحی رودمعجنی «حافظ در چهارسوی نظریه‌ی ادبی»



سخنران پایانی این مراسم، دکتر محمود فتوحی رودمعجنی، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی بود که به موضوع حافظ در چهارسوی نظریه‌ی ادبی پرداخت.

وی در مقدمه‌ی سخنان خود گفت: سخن من در این گفتار پاسخی است به این پرسش که آیا موقعیت حافظ در نتیجه‌ی مطالعات نظری و انتقادی نوین، ارتقا می‌یابد یا تنزل؟

دکتر فتوحی در ادامه به پاسخ این پرسش پرداخت و توضیح داد: در میان محققان ادبیات فارسی دو دیدگاه درباره‌ی بازخوانی انتقادی آثار ادبی و فرهنگی وجود دارد؛ دیدگاه نخست از اساس به قرائت جدید از شعر قدیم ناپاوار است. صدای معروف «حافظ بس» در دهه‌ی ۵۰، نماینده‌ی ذهنیت تک‌صدا و سنت‌گراست. ذهنیتی که نگران شناخت جدید است. این دیدگاه در شکل امروزی‌ترش به نظریه‌ی ادبی روی خوش نشان نمی‌دهد و مرزهای بلند هویتی میان ما و بیگانه، به‌ویژه غرب، برمی‌کشد. باورش هم این است که فهم فرهنگ و زبان ما با نظریه‌ی بیگانه ممکن نیست و باید در پی برساختن نظریه‌ی خودی و بومی بود و بومی‌سازی از صداهای بلندی است که این روزها فراوان شنیده می‌شود.

او افزود: اما دیدگاه دوم، قائل به قرائت آزاد و خوانش

باز از متن‌ها به خصوص ابرمتن‌هایی مثل متن حافظ است. من در این مجال درباره‌ی دیدگاه دوم سخن خواهم گفت با طرح این سوال که آیا موقعیت حافظ در مطالعات انتقادی جدید حفظ می‌شود یا خیر، و به طنز و نقیضه و سخریه می‌انجامد؟ آیا در نهایت اگر مثلاً به این جا برسیم که حافظ مارکسیست بوده یا آنارشیست نبوده، یا فمنیست بوده یا نبوده، یا پست‌مدرن و امثال این‌ها، آیا موقعیت حافظ ارتقا خواهد یافت یا خیر؟!

استاد دانشگاه فردوسی در ادامه گفت: یکی از پرسش‌های انتقادی این است که آیا ابرکلاسیک‌ها مثلاً حافظ، می‌توانند هم‌چنان شاعران مردمان جهان که سرشار از اضطراب‌های زیست‌شناختی و دیجیتالی و سایبریک هستند، باشند؟ یا می‌توانند شاعر مردمانی باشند که در شبکه‌های مجازی، در معرض ارتباطات وسیع تصادفی قرار دارند و بی‌هراس از پیامدی، اندیشه‌هایشان را بیان می‌کنند و در لحظه برای جهانیان توییت می‌کنند و شخصاً پویش‌های بزرگ راه می‌اندازند؟ دکتر فتوحی گفت: برای پاسخ به این پرسش می‌بینیم که در پایان قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم، این شاعران هم‌چنان در مرکز خوانش‌ها قرار دارند. خوانش‌های گوناگون جامعه‌شناختی، زبان‌شناختی، روان‌شناختی، سیاسی و تاریخی هم‌چنان از دیوان حافظ ادامه دارند، بوده، هست و خواهد بود تا زمانی که حافظ متن شبه‌مقدس ما باشد.

اینکه چرا حافظ محمل چنین خوانش‌هایی می‌شود و مثلاً خواجوی کرمانی نمی‌شود، به این دلیل است که **حافظ، ابرمتن فرهنگی** است. حافظ در تاریخ ایران پس از مغول به یک پدیده‌ی نمادین و یک وفاق فرهنگی بدل شده، یعنی محمل توافقات فرهنگی میان جامعه‌ی فارسی‌زبان است. دیوان حافظ مثل هر متن ادبی ماندگاری، خواه ناخواه همراه حرکت تاریخ با خوانندگان حرکت خواهد کرد.

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی گفت: من در این گفتار به موقعیت حافظ در خوانش‌های نقد و نظریه‌ی ادبی در کشور طی سه-چهار دهه‌ی اخیر که نقد و نظریه‌ی ادبی گسترش یافته است، نظر دارم.

او توضیح داد: مجموعه خوانش‌هایی که از حافظ در دسترس داریم و پژوهش‌های ادبی پیرامون حافظ را می‌توان در دو دسته تقسیم‌بندی کرد. دسته‌ی نخست، پژوهش‌هایی هستند که مسأله‌ای در شعر حافظ دارند و تلاش می‌کنند آن مسئله را حل کنند. مثلاً در باب فرم حافظ یا بحث نظریه‌ی بینامتنیت یا هرمنوتیک



حافظ یا شخصیت حافظ و عقاید او که با روش‌های جدید شناختی مورد بحث قرار می‌گیرد. این‌ها دسته‌ای هستند که کانون نگاهشان خود حافظ و مسائل مربوط به حافظ است. این دسته از تحقیقات برای گفتمان حافظ‌شناسی، افزوده‌ی معرفتی به همراه می‌آورند.

وی افزود: دسته‌ی دوم، پژوهش‌هایی هستند که از حافظ اعتبار می‌گیرند یا حافظ را به مدد می‌طلبند برای اینکه معرفتی را گسترش دهند. در این دسته از پژوهش‌ها، حافظ صرفاً یک نمونه‌ی آزمایشی یا شاهد مثالی است برای معرفی یک نظریه از طریق کالبدشکافی و تشریح؛ درست مثل کالبدی که برای تشریح در آزمایشگاه به‌کار گرفته می‌شود، متن حافظ نیز به‌کار گرفته می‌شود تا مقاصد را برای پژوهشگر حاصل کند. پژوهنده از حافظ به مثابه‌ی یک نمونه‌ی متن کانونی در فرهنگ بهره می‌گیرد و دست کم سه انگیزه در کار او هست: نخست اینکه به خوانندگان فارسی‌زبان، یک نظریه را با بهره‌گیری از مقبولیت مقام و موقعیت حافظ معرفی کند؛ دومین انگیزه، آزمودن نظریه با متن حافظ است و نتیجه‌اش این می‌شود که مثلاً نظریه‌ی الف برای فهم متن حافظ کارآمد است؛ انگیزه‌ی سوم نیز غالباً برای مقاصد آموزشی است که می‌خواهد آموزاندن نظریه را به دیگران براساس حافظ به‌کار ببندد. عمدتاً چنین پژوهش‌هایی نوعی تکلیف آموزشی یا تحصیلی محسوب می‌شوند. بیشتر پژوهش‌های انتقادی پیرامون حافظ، از نوع دوم و سوم هستند، یعنی آزمایشی و آموزشی. به‌گفته‌ی دکتر فتوحی، متأسفانه مخالفان با نظریه‌ی ادبی، این تکالیف تحصیلی را دست‌آویز ساختند تا وانمود کنند که نظریه‌ی ادبی از اساس ناکارآمد است؛ به‌ویژه برای ادبیات کلاسیک ما. غافل از این‌که بازخوانی آبرمتن‌های فرهنگی و متن‌هایی که بر صحیفه‌ی فرهنگ ماندگار هستند، امری است محتوم و ناگزیر.

دکتر فتوحی در پایان این پرسش را مطرح کرد که: ارزش بازخوانی حافظ با نظریه‌های ادبی چیست؟ آیا این خوانش‌ها باعث ارتقای مرتبه‌ی حافظ در جامعه می‌شوند یا خیر؟

او توضیح داد: هر معرفت فراگیر نویینی طبعاً کلان‌نمادها و آبرنشان‌های فرهنگ را بازخوانی می‌کند و ما را به بازاندیشی در سنت، زندگی و نمودهای فرهنگیمان فرامی‌خواند. این‌که یک سوژه‌ی فرهنگی مثل متن حافظ با هر جنبش فکری تازه‌ای به کانون چالش‌های فرهنگی و فکری می‌آید، بخت بلندی است برای پایداری و تداوم آن متن. حافظ با هر تحول فکری این بخت را می‌یابد که به محمل بحث و

فحص‌های نوین بازگردد و افق‌های تازه‌ای به روی فرهنگ و هویت ما بگشاید.

وی گفت: دیوان حافظ در زبان فارسی یک متن نمادین شده و شبه‌مقدس است که از فرهنگ و هویت ایرانی نمایندگی می‌کند. به‌تعبیری حافظ، حافظه‌ی ایرانی و فارسی‌زبان‌هاست. طبیعی است که گفتمان‌های مسلط فکری، فرهنگی و سیاسی ناگزیر باشند مواضع خودشان را با کلان‌نماد فرهنگی تنظیم کنند. نظریه‌ی نو و معرفت‌نو، امکان فهم تازه از حافظ را گسترش می‌دهد و باعث پیوند بیشتر گروه‌های اجتماعی با شعر حافظ می‌شود، مشروط بر این‌که محقق حافظ را به خوبی بشناسد. نظریه‌ها و اندیشه‌های فکری نو، افق‌هایی به روی بازنویسی متون کلاسیک می‌گشایند و تصویر جدیدی از آثار کهن به فرهنگ عرضه می‌کنند و سبب تولید محصولات فرهنگی و هنری از قبیل نمایشنامه، فیلم، موسیقی، نقاشی و ... می‌شوند. همین محصولات فرهنگی نو موقعیت تازه‌ای به آثار کلاسیک و آبرمتن‌ها در جامعه می‌دهند و هم‌چنان آن‌ها را به متن‌های نمادین محل توافق فرهنگی و هویتی بدل می‌کنند و آن‌ها را در کانون فرهنگ نگاه می‌دارند. دکتر فتوحی در خاتمه گفت: شور و شوق ادراکات تازه از حافظ تا امروز نگذاشته است که خوانندگان به «حافظ بس» ادیبان بزرگ ما توجه کنند و ماجرای حافظ هم‌چنان پایان‌ناپذیر مانده است و خواهد ماند. حافظ از آن‌رو که آبرنماینده‌ی فرهنگ ما و یک متن شبه‌مقدس است، در مرکز چهارسوی نظریه‌های ادبی و فکری و فلسفی قرار دارد و جامعه نمی‌تواند نسبت به متن شبه‌مقدس خود خاموش باشد. خود حافظ نیز می‌گوید: «گوهری دارم و صاحب‌نظری می‌جویم» و هم او می‌گوید که: «به قدر دانش خود هر کسی کند ادراک». ما نیز می‌گوییم:

**حافظ سخن بگوی که بر صفحه‌ی جهان**

**این نقش ماند از قلمت یادگار عمر**



## دومین نشست علمی

### بیست و چهارمین یادروز حافظ

\*\*\*\*\*  
دومین نشست علمی بیست و چهارمین یادروز حافظ در تاریخ ۲۱ مهرماه ۱۳۹۹ برگزار شد. این نشست، همان‌گونه که پیش‌تر از سوی شورای پژوهشی مرکز حافظ‌شناسی - کرسی پژوهشی حافظ اعلام شده بود، رویکردی آسیب‌شناسانه به پژوهش‌های مختلف در پیوند با حافظ داشت.

## دکتر غلامرضا کافی (بهره‌ی عاشوراییان از شعر حافظ)



دکتر غلامرضا کافی، دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز نخستین سخنران این نشست بود. ایشان به واکاوی چگونگی پیوند حافظ با موضوع عاشورا و امام حسین(ع) و

سخن از واقعه‌ی عاشورا در شعر حافظ پرداخت.

او گفت: این موضوع کمابیش مورد توجه و تحقیق بوده و می‌توان گفت از تحریرهای محل نزاع در باب حافظ بوده است، اینک قصد داریم در این باب یک بررسی منطقی و مستدل با موازین علمی- ادبی انجام دهیم.

عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز توضیح داد: حاصل درنگ ما می‌گوید، دو گونه تعشق و علاقه‌مندی خاطر، سبب برقراری چنین پیوندهایی با حافظ می‌شود:

۱. تعشق شیعی (خاصه نسبت به حضرت اباعبدالله الحسین(ع) و واقعه‌ی عاشورا که هیچ منظر دینی دیگری به این اندازه مورد توجه عموم نبوده است)؛ ۲. تعشق ملی- ادبی به ساحت حافظ.

وی افزود: هرکس که این دو مؤلفه را داشته باشد، خواهان برقراری یک پیوند از این قبیل با حافظ و اشعار اوست. دکتر کافی در ادامه توضیح داد: دلایل گوناگونی سبب چنین اقداماتی می‌شود که بخشی از آن را در این مقال آورده‌ایم؛ برای نمونه شاید بتوان گفت این موضوع با اثبات پیوند حافظ با امام حسین(ع) شروع می‌شود که بحث اثبات مذهب حافظ است.

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز، در این باره توضیح داد: اثبات مذهب شیعه در عصر حافظ نسبت به قرن پیش و زمان سعدی کار آسان‌تری است، چه بسا معاصران و معاشران حافظ، ابرازهای متقن شیعی و شیعیگی دارند. برخی اشارات حافظ نیز در ابیاتش با نوعی صراحت و شجاعت همراه است که نمی‌توان گفت وی در بیان مذهب، بیان سلیس نداشته و یا صراحت کلام را از دست داده است. اما آنچه که پیداست، مظاهر شیعیگی و به‌طور خاص نام ائمه (ع) در غزل‌های متقن حافظانه نیامده است مگر در یکی دو مورد که آن هم با کنایه به امام علی(ع) و حضرت صاحب‌الزمان (عج) بازمی‌گردد. اما این ابرازها در رباعیات ممکن است به شیوه‌ی آشکارتری نمود داشته باشد.

دکتر کافی در ادامه گفت: علت دیگر، اشعار شیعی مربوط به حافظ است، از جمله غزل معروف «ای دل غلام شاه جهان باش و شاه باش...» که سال‌ها نقش سنگ قبر حافظ بوده است. که البته این غزل خیلی بی‌استناد نبوده و در نسخه‌های معتبری از جمله: نسخه‌ی قدسی، مجلس، کتابخانه ملک و نسخه فریدون میرزا تیموری (که در واقع متعلق به قرن ۹ و نزدیک به زمان حافظ است) ثبت شده، یا بیت «تا جمالت عاشقان را زد به وصل خود صلا/ جان و دل افتاده‌اند از زلف و خالت در بلا» که آن چه از این بیت برمی‌آید، باید متعلق به زمان تیموری و سبک وقوع باشد. و یا بیت «آن چه جان عاشقان از دست هجرت می‌کشد/ کس ندیده در جهان جز کشتگان کربلا» که اشاره‌ای مستقیم به کربلا دارد و این غزل در نسخ معتبر متعددی آمده است.

او سومین دلیل برقراری پیوند حافظ با موضوع تشیع و شیعه‌گری را، اقوال بزرگانی از جمله علامه طباطبایی عنوان و تأکید کرد: آیت‌الله سعادت پرورد در کتاب جمال آفتاب، برداشت‌های مذهبی ایشان از ابیات حافظ را جمع‌آوری کرده است.

دکتر کافی در ادامه گفت: اشارات حافظ در قصیده‌ی «فی نعت النبی» که در نسخه فریدون میرزا تیموری ثبت شده است، یکی دیگر از دلایل است. حافظ پس از حمد و ثنای خداوند، در نعت پیامبر ایاتی آورده است، البته برحسب آنچه که از این قصیده در نسخ مکتوب بود، این قصیده دارای غلط وزنی است.

قصیده‌ی دیگری که در منقبت معصومین(ع) سروده شده و در نسخه فریدون میرزا (ص ۶۹۹) ثبت گردیده و مسمط امام‌رضایی که در ص ۷۳۷ نسخه‌ی فریدون میرزا ثبت شده است. این حافظ‌پژوه دلیل دیگر پیوند حافظ به موضوع عاشورا و فرانمود حافظ را، اشارات شرح‌ها دانست و گفت: در برخی غزل‌های مشکوک، صراحت‌های گفتاری در پیوند با این موضوع وجود دارد که گاهاً همین صراحت بیان، سبب توجه و از طرف دیگر نقد و نقض قرار گرفته است.

علاوه بر غزل‌های مشکوک، در برخی از غزل‌های حافظانه‌ی متقن نیز در شرح‌ها اشارات عاشورایی به چشم می‌خورد؛ مانند غزل آغازین حافظ با مطلع «الا یا ایها الساقی...» که در شرح سودی اشاره شده است که برگرفته از بیت عربی یزید بوده و دکتر همایون فرخ در شرح این غزل می‌گوید: این رندی حافظ است که پوشیده و با کنایه خواننده را به امام حسین(ع) ارجاع می‌دهد. و نقل‌های ثقه از ارباب معرفت که حافظ را گرمی داشته‌اند و در هیأت عارف و با



تأویل‌های عارفانه از ابیات، وی را با موضوع عاشورا و اهل بیت (ع) گره زده‌اند؛ از جمله این افراد، جناب رجبعلی خیاط در کتاب کیمیای محبت (ص ۶۳) است که ایشان حافظ را از اولیای خدا می‌دانستند و از جایگاه رفیع او در برزخ خبر دادند. و یا عارفانی نظیر کربلایی احمد تهرانی، سید ضیاءالدین درّی، جناب فتح‌الله‌پور، آیت‌الله سیدجعفر مجتهدی، آیت‌الله نجابت شیرازی و... از جمله عارفان و افراد مشهور و ثقه‌ای هستند که سخنانی راجع به شیعیگی حافظ و یا اشارات مذهبی- عاشورایی به ابیات حافظ را بیان داشته‌اند.

دکتر کافی گفت: دلیل دیگر، تأویل‌پذیری‌های شعر حافظ است که از آن می‌توان برداشت‌های ذوقی-ضمنی بسیاری داشت. حداقل در ۳۰ غزل از حافظ، چنین تأویل‌پذیری‌هایی را می‌بینیم. مانند: «یک قصه بیش نیست غم عشق...» که در کتاب حافظ و پیر مغان (ص ۵۴)، تأویل به غم امام حسین (ع) کرده‌اند و استدلال حدیثی ایشان از این برداشت برگرفته از حدیث «غم آل الله هرگز تکراری نمی‌شود» است و نمونه‌های دیگر. در برخی ابیات اشارات گمان‌برانگیزی وجود دارد که گاهی ذهن خواننده را به پیوند حافظ و عاشورا گره می‌زند، مانند: «زان یار دلنوازم...»، «رندان تشنه لب را...» و «سرها بریده بینی...» که البته اگر با ابیات قبل و بعد از خودشان بررسی شوند، آن‌چنان پاسخ‌گوی گمانه‌های عاشورایی نیستند.

او در پایان گفت: گاهی نیز جورچین‌های حساب اوجد است که ذهن خوانندگان را به برقراری رابطه‌ای مذهبی و عاشورایی با بیت حافظ سوق می‌دهد، مانند بیت «بلبلی برگ گلی خورد و گلی حاصل کرد...». در نهایت می‌توان گفت آن تعشق درونی است که علاقه‌مندان را به چنین انتساباتی واداشته تا سعی کنند پیوندی را میان این‌ها برقرار سازند.

### دکتر سودابه نوذری «رویکرد انتقادی به پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دکتری با محوریت حافظ»

دومین سخنران دعوت شده از سوی مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ، دکتر سودابه نوذری، عضو هیأت‌علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران بود که



به موضوع رویکرد انتقادی به پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دکتری با محوریت حافظ پرداخت.

دکتر نوذری در سخنرانی خود، ابتدا به بیان مقدماتی درباره‌ی روند انجام این پژوهش پرداخت از جمله اینکه با بررسی کتاب‌های حوزه‌ی حافظ دریافته است که مولفان و نویسندگان در آثار خود از پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها هیچ استفاده‌ای نمی‌کنند.

اوستپس از راه پایگاه‌های اطلاعاتی متعدد پایان‌نامه‌های مربوط به حافظ را جمع‌آوری می‌کند و با دیدگاه بازبایی اطلاعات و در دسترس قرار دادن آن‌ها برای افراد علاقه‌مند به حوزه‌ی حافظ، به بررسی آن‌ها می‌پردازد.

عضو هیأت‌علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، در ادامه درباره‌ی شیوه‌ی کار خود سخن گفت که پایان‌نامه‌ها را براساس نام، چکیده و گاه متن آن‌ها به موضوع‌های مختلفی از جمله آرایه‌ها، معنا در شعر حافظ، عشق و عرفان، اخلاق در شعر حافظ و... تقسیم کرده است.

وی توضیح داد: در این مرحله متوجه شده است که پایان‌نامه‌ها در نگاهی کلی به دو دسته‌ی اولیه یعنی پایان‌نامه‌هایی درباره‌ی خود حافظ و پایان‌نامه‌هایی درباره‌ی حافظ و دیگران تقسیم می‌شود که موضوع‌هایی نظیر تأثیرپذیری از حافظ و تأثر وی از دیگر شاعران در دسته‌ی دوم جای می‌گیرد.

در ادامه دکتر نوذری، تعداد پایان‌نامه‌ها را از نظر سال‌های تدوین آن‌ها مقایسه کرد و گفت: به ترتیب دهه‌ی ۵۰ با ۱۴ عنوان در پایین‌ترین قسمت نمودار و دهه‌ی ۸۰ و ۹۰ با ۲۶۵ و ۲۴۵ عنوان در صدر نمودار قرار دارند. همچنین افزود:

نزدیک به ۸۰ درصد آن‌ها پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد و حدود ۱۰ درصد آن‌ها رساله‌ی دکتری بوده است.

گفتنی‌ست یکی از ویژگی‌های مهم پژوهش نوذری نگاه آسیب‌شناسانه‌ی وی به پایان‌نامه‌ها بوده است که هم برای مخاطب روشن می‌کند که در چه موضوع‌هایی درباره‌ی حافظ بسیار کار شده و هم در چه زمینه‌هایی هنوز امکان پژوهش و قلم زدن وجود دارد. برای نمونه وی بیان داشت که وادی پژوهش در عرصه‌ی بررسی مجموعه شرح‌هایی که بر دیوان حافظ نوشته شده است، هنوز سالکانی علاقه‌مند می‌طلبند.

وی در پایان نیز به این موضوع پرداخت که به‌رغم تلاش بسیار دانشجویان و استادان راهنما و مشاور، چرا پژوهشگران از این پایان‌نامه‌ها در آثار خود استفاده نمی‌کنند.

او در خاتمه پس از ارزیابی پایان نامه‌ها و رساله‌های در پیوند با حافظ گفت: متأسفانه با وجود تلاش‌های بسیاری که دانشجویان و استادان راهنما و مشاور برای نوشته شدن این پایان نامه‌های انجام می‌دهند؛ پژوهشگران از آن‌ها در آثار خود استفاده نمی‌کنند که یکی از موانع این راه، انتشار نیافتن این آثار یا ثبت نشدن آن‌ها در پایگاه‌های اطلاعاتی است؛ پیشنهاد عملی در این زمینه حداقل برای حوزه‌ی حافظ، ایجاد یک پایگاه خاص از سوی مرکز حافظ‌شناسی برای ثبت تمامی پایان نامه‌ها و پژوهش‌های این حوزه است.

### دکتر محسن معینی

«نقد و بررسی رویکردها به شخصیت و شعر حافظ در سده‌ی اخیر»



آخرین سخنران این نشست، دکتر محسن معینی، عضو هیأت علمی بنیاد دایره‌المعارف اسلامی بود که ضمن سپاس از مرکز حافظ‌شناسی، درباره‌ی نقد و بررسی رویکردها به

شخصیت و شعر حافظ در سده‌ی اخیر سخن گفت. دکتر معینی ارائه‌ی خود را با این جمله آغاز کرد که شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی از مشهورترین و در عین حال از ناشناخته‌ترین شاعران فارسی زبان است؛ وی افزود: برخی با توجه به اخبار زندگی حافظ که البته بسیار ناچیز و غیرموثق است و بسیاری براساس شعر او که دارای ابهام و ابهام‌زدایی است، به تحلیل شخصیت و فکر او پرداخته‌اند. او در ادامه رویکردها به شعر و شخصیت حافظ را با تقسیم‌بندی متفاوتی ارائه داد.

عضو هیأت علمی بنیاد دایره‌المعارف اسلامی گفت: اولین رویکرد، رویکرد متن‌شناختی است که در آن تصحیح دیوان حافظ ملاک قرار می‌گیرد. او افزود: بعد از آن، رویکرد ادبی یا معناشناختی است و مقصود پژوهش‌هایی است که نویسنده حافظ را صرفاً ادیب توانایی دانسته و از نظر معنایی و شرح واژگان حافظ را بررسی کرده است.

وی ادامه داد: بررسی تأثر حافظ از دیگران، بازنگری اشعار حافظ از سوی خودش، نظریه‌ی پاشانی و ترتیب و توالی و تأویل‌پذیری اشعار او هم در این رویکرد قرار می‌گیرد. او افزود: رویکرد دیگر، رویکرد بلاغی است و منظور

از آن پژوهش‌هایی است که به بررسی زیباشناسی شعر حافظ پرداخته‌اند.

دکتر معینی گفت: رویکرد بعدی، رویکرد تاریخی است که در دو شاخه آورده می‌شود، شاخه‌ی اول مقاله‌ها و کتاب‌هایی که به تاریخ زندگی حافظ و شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان وی پرداخته‌اند و شاخه‌ی دوم مبحث تاریخ‌گذاری است و منظور پژوهش‌هایی است که در پی مشخص کردن تاریخ سرودن اشعار حافظ و مرتبط دانستن آن‌ها با دوره‌ی خاصی از زندگی او بوده‌اند.

او افزود: رویکرد دیگر، رویکرد سیاسی است که در این رویکرد نویسندگان یا حافظ را شاعری مبارز دانسته‌اند یا از شعر او اندیشه‌ی سیاسی او را استخراج کرده‌اند. وی افزود: رویکرد دیگر، رویکرد عرفانی است که مبحث تأویل عرفانی اشعار او و قلندری دانستن حافظ و لقب لسان‌الغیب او در این بخش بررسی می‌شود.

دکتر معینی در ادامه‌ی سخنان خود از رویکردهای دیگری از جمله هنری، اخلاقی، جغرافیایی، مذهبی، فقهی و حقوقی، خیامی و... سخن گفت و در پایان نیز به رویکردهای نو، مانند رویکردهای فلسفی، هرمنوتیکی، روان‌شناسی، ساختارشنکی و... اشاره کرد.



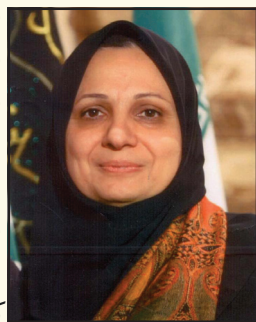
### سومین نشست علمی

#### بیست و چهارمین یادروز حافظ

سومین نشست علمی بیست و چهارمین یادروز حافظ نیز، در تاریخ ۲۲ مهرماه ۱۳۹۹ برگزار شد. این مراسم نیز چون دیگر نشست‌ها، با حافظ‌خوانی آغاز شد و با سخنرانی‌های دکتر مریم حسینی، دکتر عبدالحمود رضوانی و دکتر موهونگ یان ادامه یافت.

### دکتر مریم حسینی

«گریز از هژمونی از سناي تا حافظ»



در ابتدای این نشست، دکتر مریم حسینی، استاد دانشگاه الزهرا تهران، به موضوع گریز از هژمونی از سناي تا حافظ پرداخت.

دکتر مریم حسینی با این مقدمه سخن خود را آغاز کرد که: در طول تاریخ

یادروز حافظ  
پانزدهمین نشست علمی و سیمین یادروز



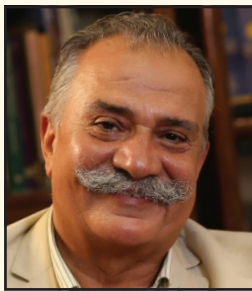
استاد دانشگاه الزهرا گفت: از انواع کارکردهای هژمونیک دولت‌های مقتدر، استفاده از مراسم دینی و ملی هست که حافظ آن را هم در دیوانش به طنز و تمسخر می‌گیرد: زاهد و عجب و نماز و من و مستی و نیاز... او گفت: استفاده از راوی اول شخص نیز دیگر شگرد حافظ برای شکستن هژمونی است. او از آنچه بر خودش رفته سخن می‌گوید: من ترک عشق و شاهد و ساغر نمیکنم / صدبار توبه کردم و دیگر نمی‌کنم.

دکتر حسینی در پایان به طور کلی شگردهای حافظ برای شکستن هژمونی را چنین خلاصه کرد: کاربرد واژه‌های هژمونیک با لحن طنز و تمسخر، جابه‌جایی نقشه، آفرینش مفهوم تازه برای واژه‌ها، هجوم به تابوها، هجوم به واژه‌های دینی فرادستی و تجاهر به فسق و فجور.

### دکتر عبدالحمود رضوانی

«ترجمه‌ی آثار بزرگانی چون حافظ و دشواری‌های آن»

دومین سخنران این نشست، دکتر عبدالحمود رضوانی، استاد ترجمه و مدیر مؤسسه‌ی ترجمان علوم بود. دکتر رضوانی سخنرانی خود را با این مقدمه آغاز کرد که چرا بزرگان ما در دنیا به اندازه‌ی بزرگان غربی شناخته شده نیستند و در بطن آن جوامع حضور ندارند؟ او سپس پاسخ داد: ما در معرفی این بزرگان به جهان اقدامی انجام نداده‌ایم و این می‌تواند ناشی از ناتوانی ما یا اراده نکردن باشد.



وی در ادامه، هدف سخنرانی خود را ترغیب جوانان به امر ترجمه‌ی اشعار حافظ توضیح داد و گفت: اولین قدم به یاد داشتن این نکته است که حافظ شاعر است و سخنش لایه‌های متعدد دارد که باید در آن‌ها غور کرد و فهمیدشان و درنهایت در ترجمه اعمال کرد و برای این منظور و فهمیدن حافظ، باید با تاریخ زمان او آشنا شد چراکه قبض و بسط زمانه‌ی حافظ کاملاً در شعرش تجلی دارد.

مدیر مؤسسه‌ی ترجمان علوم تأکید کرد: با درک دقیق مفهوم شعر، ترجمه، معنی پیدا می‌کند؛ چراکه درک مفهوم به انتخاب واژه کمک می‌کند.

و از آنجاکه هر واژه بار معنایی خاصی دارد، انتخاب آن‌ها امری بسیار ظریف و دقیق است و حال که حافظ خداوندگار انتخاب واژه‌ی اصلح است، شایسته می‌نماید

هزارساله‌ی شعر پارسی، شاعران زیادی درباره‌ی اوضاع نابه‌سامان عصر خودشان سخنران رانده‌اند و هرکدام به نوعی تلاش کرده‌اند، نقش رسانه‌ای و اجتماعی خودشان را ادا کنند. برخی مانند سنایی و حافظ، بیش از دیگران به نقد حکومت و دین حاکم زمانه‌ی خودشان گرایش داشته‌اند، سپس در ادامه رابطه‌ی طبقه‌ی فرادست و فرودست را در چارچوب اصطلاح هژمونی کاوید.

وی گفت: هژمونی ترکیبی از عوامل گوناگون سیاسی و فرهنگی و اجتماعی است و از جایی شروع می‌شود که یک طبقه و نمایندگان آن، قدرت خود را از طریق ترکیبی از اجبار و اقناع بر طبقات پایین اعمال می‌کنند. در شرایط هژمونیک، مردم چنان باورهای حاکمیت را در خود درونی می‌کنند که دولت، صدای خود را از گلوئی آن‌ها می‌شنود. او افزود: در این میان، نقش رسانه‌ها هم در شکل دادن به شرایط هژمونیک و هم شکستن آن بارز است.

دکتر حسینی گفت: در زمانه‌ی حافظ، نهادهایی چون مسجد و مدرسه و منبر، مهم‌ترین نهادهای هژمونیک هستند و درکنار این‌ها، شعر نیز ابزاری هژمونیک برای ارباب قدرت به‌شمار می‌رود. اما در نبرد میان طبقه‌ی حاکم و فرودست، فرودستان هم می‌توانند از ابزارهای هژمونیک استفاده کنند.

او توضیح داد: حافظ نیز از همین شعر که ابزار هژمونیک حاکمیت است، برای شکستن هژمونی استفاده می‌کند. او با دو نهاد روحانیت و سیاست در زمان خودش مبارزه می‌کند و می‌کوشد در دیوان خود، کسانی مانند صوفی و زاهد را به حاشیه براند و در برابر، موقعیت رند را برجسته کند. او با طنز و شوخی با مقدسات شروع می‌کند تا از مقدس‌انگاری واژه‌های دینی بکاهد و با تابوشکنی، قدر و منزلت پذیرفته‌شده‌ی عرفی را زیر سوال ببرد. او به جای آب پاک و روشن با می‌طهارت می‌کند و نور خدا را به جای مسجد و کعبه در می‌خانه می‌بیند. وی افزود: حافظ به شیوه‌ی مطایبه‌آمیز، رفتار حاکمانی چون امیرمبارزالدین را تقبیح می‌کند و از دکان روی‌وریای زمانه شکایت می‌کند: مشکلی دارم ز دانشمند مجلس بازپرس / توبه‌فرمایان چرا خود توبه کمتر می‌کنند... .

مریم حسینی در ادامه گفت: البته حافظ به طنز و شوخی بسنده نمی‌کند و گاه به زبان هجوآمیز روی می‌آورد: کجاست صوفی دجال فعل ملحد شکل... / صوفی شهر بین که چون لقمه‌ی شبهه می‌خورد... .

## چهارمین نشست علمی بیست و چهارمین یادروز حافظ

چهارمین نشست علمی بیست و چهارمین یادروز حافظ، روز سه‌شنبه ۲۳ مهرماه ۱۳۹۹، در بستر مجازی برگزار شد. در آخرین نشست علمی، مرکز حافظ‌شناسی، ضمن سپاس از رایزن فرهنگی ایران در ترکیه، به‌ویژه آقای محمود صدقی‌زاده رایزن فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در آنکارا که در برگزاری این نشست همکاری داشته‌اند، از سخنرانان ترک‌زبان یعنی دکتر حجایی قرلانغیچ و پروفسور عدنان دعوت به سخنرانی کرد.

### دکتر حجایی قرلانغیچ

«بررسی حافظ‌شناسی در دوره‌ی جمهوری ترکیه»

دکتر حجایی قرلانغیچ، مترجم دیوان حافظ و معاون دانشگاه آنکارا به‌عنوان نخستین سخنران، موضوع سخنرانی خود را «بررسی حافظ‌شناسی در دوره‌ی جمهوری ترکیه» معرفی کرد.



و گفت: حافظ شیرازی بی‌شک در ادبیات ترکی یکی از شعرای معروف است که در کنار سعدی، مولانا جلال الدین، ملاجی، خاقانی و نظامی در میان ترک‌زبانان از شهرت به‌خصوصی برخوردارند.

او توضیح داد: در دوره‌ی عثمانی در مدارس و نیز تدریس ادبیات و شناخت مسائل مختلف زبان، آرایه‌های ادبی و علم عروض از اشعار حافظ استفاده می‌کردند، از همین رو برای درک هرچه بیشتر اشعار اقدام به شرح نویسی‌های گوناگونی شد و ترجمه‌هایی از اشعار حافظ پدید آمد.

وی افزود: در دوره‌ی جمهوری نیز این روند ادامه پیدا کرد اما با توجه به اینکه ادبیات ترکی در این زمان وارد عصر جدیدی شده بود، توجه به غرب و فرانسه در آن بیشتر دیده می‌شد، اما باز هم قشر روشن‌فکران از شعر فارسی استقبال می‌کردند و حتی گاهی بازتاب شعر شاعرانی چون: سعدی، مولانا و حافظ در مقالات و روزنامه‌ها به چشم می‌خورد.

به‌گفته‌ی استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آنکارا، باتوجه به تغییری که در دوره‌ی جمهوری شکل گرفته بود، تعداد اندکی به اصل شعر فارسی توجه داشتند

که ما هم در ترجمه، کلماتی دقیق و درخور برگزینیم. وی افزود: موضوع مهم دیگر در ترجمه‌ی دیوان حافظ، ترجمه‌ناپذیری بعضی واژه‌هاست. آنجاکه برای یک واژه چون «رند» بار معنایی خاصی وجود دارد که معادل‌یابی را ناممکن می‌کند، مراجع متخصص مثل دانشگاه شیراز باید تعریفی ارائه دهند و برای مراجع دارای صلاحیت غرب بفرستند تا خود آن واژه در انگلیسی بیاید.

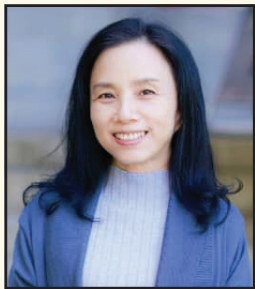
نکته‌ی دیگری که دکتر رضوانی برای ترجمه‌ی صحیح شعر حافظ بر آن تأکید کرد، انتقال موسیقی شعر حافظ و توجه به تقارن‌ها و توازن‌های کلام اوست که مترجم باید همگی را در نظر داشته باشد. او همچنین افزود: حافظ در استفاده از حروف هم‌معنا هم دقت نظر داشته است؛ برای مثال وقتی از قد صحبت می‌کند، از «الف» بیشترین بهره را در کلام خویش می‌برد: هرچه هست از قامت ناسازبی اندام ماست / ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست، حافظ خداوندگار واژه‌ی اصلح است.

مدیر مؤسسه‌ی ترجمان علوم در پایان، خطاب به جوانان بیان داشت که به‌رغم تمام مشکلات باید قدم در راه گذاشت و نترسید و بلندپرواز بود.

### دکتر مو هونگ یان

«می و عشق در شعر حافظ»

دکتر مو هونگ یان، استاد دانشگاه مطالعات خارجی پکن و رئیس مرکز ایران‌شناسی این دانشگاه آخرین سخنران سومین نشست علمی یادروز حافظ بود. دکتر مو هونگ یان که



خود مترجم آثار کلاسیک و معاصر ایران است، به مبحث می و عشق در شعر حافظ پرداخت.

او با بیان این مقدمه که در سده‌های هجدهم و نوزدهم شعر حافظ از طریق ترجمه‌ها به غرب راه یافت، به تأثیرپذیری شاعران و نویسندگان غرب، به ویژه گوته از حافظ اشاره کرد و گفت: رویکردهای مختلفی درباره‌ی عشق و می در شعر حافظ وجود دارد، اما برای شناخت واقعی شعر حافظ لازم است که به تاریخ زمانه‌ی حافظ و موضوع تصوف تسلط داشت. وی در ادامه به تشریح بعضی از ابیات حافظ و رویکردهای مختلفی که در تفسیر آن وجود دارد پرداخت.





غزل‌های حافظ نزدیکی دارد. به‌طور مثال ابیاتی مانند: جز آستان توام در جهان پناهی نیست، مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید، غلام نرگس جماش آن سهی سرورم و... را با همین مضمون در دیوان این شاعر می‌توان جست. می‌توان گفت این دو شاعر عضو یک فرهنگ، دین و حس معنوی مشترک بوده‌اند که از بزم‌الست ذوق خاصی را به این عالم فانی آورده‌اند.

او گفت: به دلیل استفاده‌ی زیاد از دیوان حافظ در مدارس و طلاب و... عده‌ای از بزرگان به این فکر افتادند تا شرحی از دیوان حافظ به زبان ترکی فراهم آورند. شرح نخستین از مصلح‌الدین مصطفی سروری عالم عثمانی (متوفی ۹۶۹)، شرح دوم از مولانا شمعی (متوفی ۱۰۱۱)، شرح سودی (متوفی ۱۰۰۹) و شرح محمد وهبی (متوفی ۱۲۴۴) که دو شرح آخر بسیار مورد توجه و اقبال قرار گرفته است.

وی تأکید کرد: شعرای ترک زبان بسیاری از اشعار حافظ الگوپردازی کرده و هم به زبان فارسی و هم ترکی اشعاری را سروده‌اند، از جمله «فضولی بغدادی» که در ایران نیز شهرتی دارد وی دیوانش را نظیر حافظ با یک بیت عربی آغاز کرده است.

«شاهدی» شاعر قرن دهم هجری که وی ۴۷۲ غزل دارد و به نظیره‌گویی حافظ پرداخته است و سعی داشته که در وزن، قافیه و مضمون با حافظ برابر باشد یا شاعر دیگر به نام «لامعی» (متوفی ۹۳۸) که آثار مولانا جامی را به ترکی ترجمه کرده، مسمط مخمس دارد که در آن سه مصرع از شاعر و دو مصرع از حافظ آورده است.

«امین حلمی» (متوفی ۱۳۰۱) شاعر دیگری است که مسمطی با اشعار حافظ سروده است و از شاعران قرن اخیر نیز «یحی کمال» (متوفی ۱۹۵۸ م) بسیار از اشعار حافظ بهره‌مند بوده است.

### دکتر روشنک اکرمی

«حضور حافظ در دفترهای شعر امرسون»

سخنران آخر نشست‌های علمی بیست و چهارمین یادروز حافظ، دکتر روشنک اکرمی، دانش‌آموخته‌ی دانشگاه تگزاس بود. دکتر اکرمی که عنوان سخنرانی خود را حضور حافظ در دفترهای شعر



رالف والدو امرسون معرفی کرد، با این مقدمه سخن خود را آغازید که شاید بعد از علاقه‌ی گوته به حافظ، علاقه‌ی امرسون به او از شناخته‌شده‌ترین روابط فراملیتی باشد. وی افزود: آنچه شایسته‌ی توجه است، دفاتر شعر امرسون که از سال ۱۸۲۷ به اشعار خود امرسون اختصاص یافته و از سال ۱۸۴۶ بستری برای ترجمه‌هایش از اشعار حافظ شده است. بررسی این دفاتر نشان می‌دهد که امرسون بیش از ۱۳۰ غزل از حافظ ترجمه کرده است.

دکتر اکرمی بیان داشت که از نظر او توجه صرف به نسخه‌های پایانی ترجمه‌های امرسون از حافظ به معنی نادیده گرفتن حضور حافظ در دفاتر شعری است که به اشعار خود امرسون تعلق دارند؛ چراکه بسیاری از خطوطی که امرسون از حافظ ترجمه می‌کند در نسخه‌های پایانی حذف گردیده یا کوتاه و نام‌گذاری شده‌اند. نکته‌ی دیگر آنکه در بیشتر موارد جایگیری این ترجمه‌ها در بین اشعاری که به خود امرسون تعلق دارند به نوعی روابط معناداری ایجاد کرده که می‌تواند موضوع بسیار جذابی برای تحقیقات باشد؛ بدین ترتیب که این دفاتر هم به ما این فرصت را می‌دهند تا تصمیم‌های او را به‌عنوان یک شاعر مترجم بررسی کنیم که به‌قصد گرفتن الهام به ترجمه‌ی اشعار حافظ روی آورده است و هم اینکه حرکت ذهنی امرسون را دنبال کنیم که چطور از یک مفهوم به مفهوم دیگر انتقال می‌یافته یا اینکه چطور اندیشه‌اش با اندیشه‌ی حافظ تلفیق پیدا می‌کرده است.

وی در ادامه گفت: بررسی‌های یادشده از راه خوانش‌های تکوینی یا ژنتیکی میسر می‌شود. درحقیقت خوانش‌های تکوینی بیشتر از اثر پایانی به پروسه‌ی تولید توجه می‌کنند؛ یعنی تصمیم‌های مترجم از نسخه‌ی اولیه تا پایانی دنبال می‌شود و مورد تحقیق قرار می‌گیرد.

دکتر اکرمی توضیح داد: در خوانش تکوینی یکی از ترجمه‌های امرسون از حافظ درمی‌یابیم که این ترجمه نقش‌های متفاوتی برای وی داشته است؛ از سویی امرسون آن غزل را با درنظر گرفتن حوادث سیاسی و اجتماعی خاص آن زمان انتخاب می‌کند و به شیوه‌های مختلف منتشر می‌کند و از سوی دیگر از طریق پیش‌نویس ترجمه‌ها متوجه می‌شویم آن غزل در معنای مبدأ خود هم بروی تأثیرگذار بوده است.

وی همچنین اشاره کرد: امرسون این غزل با مطلع «تا راهرو نباشی کی راه‌بر شوی / ای بی‌خبر بکوش که صاحب‌نظر شوی» به‌طور کامل ترجمه کرده بوده و در



دکتر اکرمی در پایان نیز گفت: از راه مطالعه‌ی تکوینی دفاتر امرسون درمی‌یابیم که حافظ برای وی کیمیاگری است که هرچیزی را به زیبایی بیان می‌کند و حضور حافظ در دفاتر امرسون محدود به اشعار و اندیشه‌ی او نیست، بلکه تصویرگر مفاهیم و ارزش‌هایی است که ورای زمان و مکان و ملیت در هم‌نشینی این دو شاعر جان می‌گیرند.

دفاتر شعرش وجود دارد، اما در میان ترجمه‌های نهایی ارائه نشده است. با این حال باید آگاه بود که نبودن این ترجمه در آثار نهایی انکارکننده‌ی تأثیرش بر امرسون نیست؛ بلکه می‌توان ردپای آن را در مقاله‌ای به نام «پرستش» که همان زمان‌ها نوشته بوده است، مشاهده کرد.

دائماً یک‌سان نباشد حال دوران غم‌خجور

## نشست‌های علمی و بیست و چهارمین یادروز حافظ

24th / Hafez Memorial Day  
۱۱-۱۵ October | ۲۰ تا ۲۳ مهرماه ۱۳۹۹ | ساعت ۱۹  
لینک شرکت در برنامه‌ها از:

<http://derak.live/stream/hafezstudies>  
لینک فرعی: <https://vc44.shirazu.ac.ir/hafezstudies/>  
@hafezstudiescenter

**نشست اول: یکشنبه ۲۰ مهر**

 <b>دکتر محمود فتوحی رودمجنی</b> <small>موضوع سخنرانی: حافظ در چهارسوی نظریه‌ی ادیبی</small>	 <b>دکتر میرجلال‌الدین کزازی</b> <small>موضوع سخنرانی: دوگانه‌گرایی ایسرانی در سروده‌های حافظ</small>	 <b>استاد بهاء‌الدین خرمشاهی</b> <small>موضوع سخنرانی: بعضی از مهم‌ترین مروج‌های حافظ پژوهی</small>
---	--	--

**نشست دوم: دوشنبه ۲۱ مهر**

 <b>دکتر محسن معینی</b> <small>موضوع سخنرانی: نقد و بررسی رویکردها به شخصیت و شعر حافظ در سده‌ی اخیر</small>	 <b>دکتر سودابه نوذری</b> <small>موضوع سخنرانی: رویکردی انتقادی به پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دکتری با محوریت حافظ</small>	 <b>دکتر غلامرضا کافی</b> <small>موضوع سخنرانی: بهره‌ی عاشورا بسان از شعر حافظ</small>
---	--	---

**نشست سوم: سه‌شنبه ۲۲ مهر**

 <b>دکتر زینب وانگ</b> <small>موضوع سخنرانی: حافظه‌شناسی در چین</small>	 <b>دکتر عبدالحمید رضوانی</b> <small>موضوع سخنرانی: ترجمه‌ی آثار بزرگانی چون حافظ و دشواری‌های آن</small>	 <b>دکتر مریم حسینی</b> <small>موضوع سخنرانی: گریز از هژمونی از سنایی تا حافظ</small>
--	--	--

**نشست چهارم: چهارشنبه ۲۳ مهر**

 <b>دکتر روشنگ اکرمی</b> <small>موضوع سخنرانی: حضور حافظ در دفترهای شعر امرسون</small>	 <b>پروفسور عه‌دان قره اسماعیل‌اغلو</b> <small>موضوع سخنرانی: جایگاه حافظ شیوازی در فرهنگ و ادب آسیای صغیر</small>	 <b>پروفسور حبیبی فرلانجیج</b> <small>موضوع سخنرانی: بررسی حافظ‌شناسی در دوره‌ی جمهوری ترکیه</small>
---	---	---







اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی  
استان فارس

ویژه یادروز حافظ  
 پاییز هزار و سیصد و نود و نه  
 شماره هفتم

## انتشار بیست و چهارمین شماره از مجله علمی تخصصی حافظ پژوهی

هم‌زمان با یادروز حافظ، بیست و چهارمین شماره‌ی مجله‌ی علمی تخصصی حافظ پژوهی (سومین شماره از دوره‌ی جدید) در پاییز ۱۳۹۹ منتشر شد. این مجله با هدف انتشار دستاوردهای تازه و گسترش پژوهش‌های حافظانه، نتیجه‌ی علمی تحقیقات مربوط به حافظ را در قالب مقاله منتشر می‌کند. شماره‌ی جدید، مقاله‌های زیر را در بر گرفته است:



سال ۲۳، شماره‌ی ۲۴ (نورده‌ی جدید، شماره‌ی ۳)، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

- بررسی تأثیر مؤلفه‌های ساختاری بر زیبایی‌شناسی غزل‌های حافظ (۱-۱۶)  
سعید حسام‌پور
- حافظ و انسان امروز (۱۷-۵۲)  
اصغر دادبه
- بررسی گونه‌ای خاص از آرایه‌ی تجاهل عارف در شعر حافظ (۵۵-۷۲)  
منیژه عبدلهی
- کتاب‌شناسی حافظ در سال ۱۳۹۸ خورشیدی (۷۳-۹۴)  
ماندانا فیروزآبادی
- عوامل تفاعل طبقه‌ی حاکم با دیوان حافظ شیرازی و کارکردهای آن (۹۵-۱۱۰)  
محمد کشاورز بیضایی
- نقد رهیافت‌های فلسفی به شعر حافظ (۱۱۱-۱۳۶)  
علیرضا نیکویی



- A survey on Structural Components of Aesthetics in Hafez Poetry  
Saeid Hessampour
- Hafez and the modern man  
Asghar Dadbeh
- Investigating the "False wisdom" Rhetorical Literary Device in Hafez Poetry  
in the Context of Dramatic Irony  
Manizheh Abdollahi
- Bibliography of Hafez in the solar year 1398 (2019-20)  
Mandana Firoozabadi
- Factors of the Ruling Class's Divination by Hafez's Divān and its Functions  
Mohammad Keshavarz Beizae
- A Critique of Philosophical Approaches  
Alireza Nikouie

«بررسی تأثیر مؤلفه‌های ساختاری بر زیبایی‌شناسی غزل‌های حافظ»، سعید حسام‌پور؛  
«حافظ و انسان امروز»، اصغر دادبه؛

«بررسی گونه‌ای خاص از آرایه‌ی تجاهل عارف در شعر حافظ»، منیژه عبدلهی؛  
«عوامل تفاعل طبقه‌ی حاکم با دیوان حافظ شیرازی و کارکردهای آن»، محمد کشاورز بیضایی؛  
«کتاب‌شناسی حافظ در سال ۱۳۹۸ خورشیدی»، ماندانا فیروزآبادی؛  
«نقد رهیافت‌های فلسفی به شعر حافظ»، علیرضا نیکویی.

گفتنی‌ست این شماره از مجله، با همکاری اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان فرهنگی-اجتماعی شهرداری شیراز به چاپ رسید.

نسخه‌ی الکترونیکی مقاله‌های این مجله نیز، در پرتال جامع علوم انسانی و پایگاه‌های [www.ricest.ac.ir](http://www.ricest.ac.ir) و [www.hafezstudies.com](http://www.hafezstudies.com) نمایه می‌شود و در دسترس علاقه‌مندان است.







## نشست حافظانه

# نگرش معنوی حافظ



هستی نظر کرده و خطاپوشی کنیم. ۴. حافظ معتقد است، در ما خاطره‌ای ازلی نهاده‌اند؛ و سوسه‌ای مقدس در نهاد ماست که ما را به جانب عشق و خوبی اخلاقی فرامی‌خواند. ۵. به‌رغم فناپذیری همه چیز، ساختار جهان به‌گونه‌ای است که به «عشق» و «خیر اخلاقی» بی‌تفاوت نیست و نقشی که به دست عشق و اخلاق بر

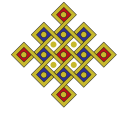
سیدوسی و سومین نشست حافظانه‌ی مرکز حافظ‌شناسی- کرسی پژوهشی حافظ، به موضوع «نگرش معنوی حافظ» اختصاص یافت. صدیق قطبی، نویسنده و پژوهشگر جوان کشور در حوزه‌های علوم انسانی، در این نشست به سخنرانی پرداخت. وی با بیان این مقدمه که شعر حافظ سرشتی متناقض دارد و ما باید وجود معمایی و چندصدایی او را به رسمیت بشناسیم، اذعان داشت: هدف از بیان این مقدمه آن است که بگوییم، هرچاز موضوع نگرش معنوی شعر حافظ سخن گفته می‌شود؛ با عنایت به این موضوع است که سخن متناقض با این نوع نگرش نیز در دیوان حافظ وجود دارد و منظور از بیان نگرش معنوی حافظ این است که این ویژگی‌هایی که مطرح می‌کنیم، متعلق به زمانی است که گویا حافظ ساکن کوی معنویت بوده، درحالی‌که می‌دانیم او همیشه ساکن این کوی نیست.

دیوار جهان می‌بندد، پایدار است. ۶. در برابر تقدیر و سرنوشت باید خرسند و پذیرا بود، از منظر هستی‌شناسانه ما اختیار چندانی نداریم؛ اما بهتر است از منظر اخلاقی خود را مختار بدانیم و به‌رغم آنکه لزوماً کوشش‌های ما به مقصود نمی‌انجامد، چالاک و بیدار بکوشیم. ۷. برای راه‌پردن به ابعاد معنوی جهان لازم است که چشم معنابین و جان‌نگر پیدا کنیم و از حواس دینی و معنوی بهره‌مند شویم؛ چراکه با چشم «جهان‌بین» نمی‌توان به لایه‌های نورانی وجود راه بُرد. ۸. همه چیز در معرض فناست و بهترین کار، اغتنام فرصت و سرکشیدن اکنون است. ۹. جهان، سراسر جلوه‌ی امر مقدس است، امر مقدس را نباید در جایی بیرون از طبیعت سراغ گرفت. آن خیر برین، همین نزدیکی‌هاست. باید با نظری آکنده از عشق و زیبایی معنا را در همین ظواهر جهان جست‌وجو کرد. آنچه ما را در شکار معنا کامیاب می‌کند، نه بی‌اعتنایی به زیبایی‌های این جهانی، بلکه یافتن چشمی معنابین و جان‌نگر است. ۱۰. باید دعا کرد. استغفار سحر و راز و نیاز شبانه و سوز و گدازهای دل، روزنه‌گشاست. برای ارتباط با جان عالم و یافتن راهی به باطن جهان، ابزار دعا کارساز است. ۱۱. قناعت و خرسندی به آنچه داریم و وارستگی و چشم‌سیری از لوازم معنوی زیستن است؛ ۱۲. مصاحبت پاک‌دلان از شیوه‌های بسیار مؤثر برای یک زندگی معنوی است. ۱۳. به هر شیوه‌ای باید از «خودپرستی» فاصله گرفت. ۱۴. تنها عشق است که ما را رستگار می‌کند. ۱۵. بزرگ‌ترین خطای اخلاقی «ریاکاری» و «مردم‌آزاری» است و بزرگ‌ترین فضیلت اخلاقی «خطاپوشی» و «بخشنده‌گی» است.

قطبی افزود: حافظ خود نیز به صراحت به موضوع تناقض در اشعارش در موارد متعدد اشاره می‌کند، مانند آنجا که می‌گوید: حافظم در مجلسی، دردی کشم در محفلی... وی جلوه‌های متناقض شعر حافظ را متأثر از دیدگاه حافظ نسبت به جلوه‌های متنوع خداوند دانست و این چندصدایی حافظ را نشان دهنده‌ی آزادی و اوتلفی کرده‌ی ارائه‌ی شاهد مثال‌هایی در این باب پرداخت. قطبی با اشاره به اینکه درباره‌ی معنویت، برحسب محیط‌های فرهنگی و جغرافیای مختلف تعاریف متفاوتی ارائه شده، بر تعریفی از معنویت که از سوی یکی از معنویت‌پژوهان ارائه شده انگشت نهاد و توضیح داد: برحسب این تعریف، معنویت دست‌کم دارای سه مشخصه‌ی عمده است: ۱. معنویت، به زندگی فرد یک هویت و معنا می‌بخشد و یکپارچگی به او می‌دهد؛ ۲. معنویت تلاشی است برای فراتر رفتن از خودخواهی و دستیابی به حس عشق و دیگر دوستی و ارزش‌های اخلاقی؛ ۳. معنویت باعث می‌شود که با به‌ظهور رساندن قدرت تخیل، بتوانیم برای تماس با امر آرمیزی آماده شویم.

این حافظ‌پژوه در ادامه‌ی سخنان خود، با عنایت به تعریف معنویت، به بیان ۱۵ ویژگی در رویکرد معنوی حافظ اشاره کرد. به‌گفته‌ی او ۱. حافظ جهان را منحصر در جهات مادی خود نمی‌داند؛ بلکه به یک امر ازلی و ابدی، رازآلود سرمدی قائل است. ۲. آن امر آرمیز که حافظ به آن امید دارد؛ امری نیست که بتوان به یقین آن را باور کرد؛ در واقع کسی از سربقین محرم راز نمی‌شود. معشوق نقابی افکنده و خود را پنهان کرده است؛ اما باید در برابر حقیقت گشوده بود و در پی هر زمزمه‌ای که ما را به کوی دوست فرامی‌خواند به راه افتاد، شاید همین غیبت خدا و حقیقت است که شوق وصل را در ما می‌نشانند. ۳. بنابر رویکرد معنوی حافظ، در نگاه انسانی ما، جهان خالی از خطا و رخنه نیست؛ اما باید بکوشیم با دیده‌ی زیبایین عشق به

گفتنی است، این نشست که در تاریخ ۳۰ آذرماه ۱۳۹۹، به صورت مجازی، با حضور جمعی از دانشگاہیان و اهالی فرهنگ و ادب برگزار شد، با همکاری مدیریت فرهنگی و مرکز پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس ترتیب یافت.

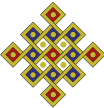
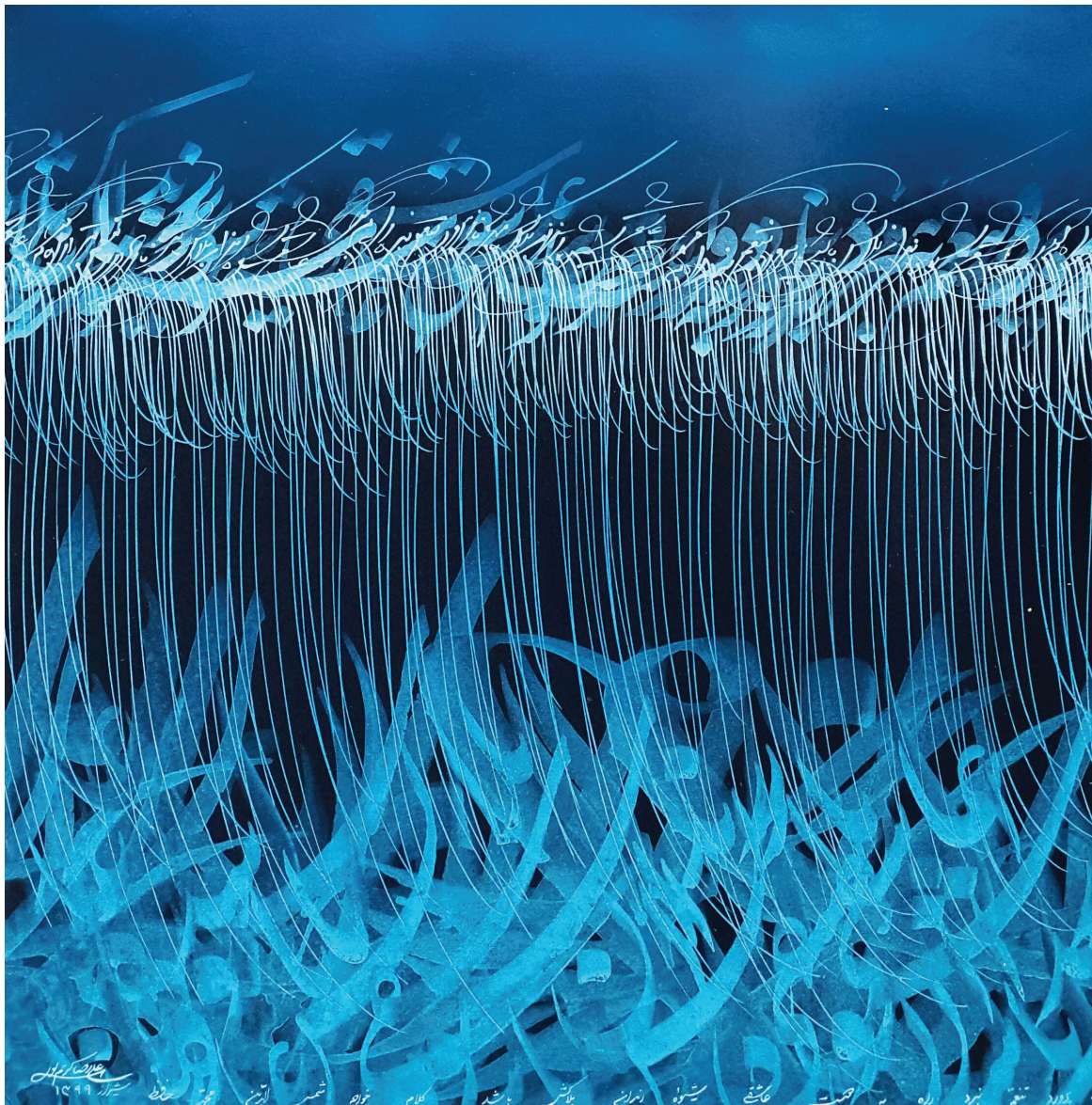






## دو اثر نقاشی خط از استاد علیرضا کریم پور

۱. اثر سیاه مشق، با عنوان «نازپرورده تنعم نبرد راه به دوست / عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد»، با تکنیک ترکیب مواد.
  ۲. اثر سیاه مشق با عنوان «بیار باده که این سالکان نه مرد رهند»، با تکنیک ترکیب مواد.
- استاد علیرضا کریم پور، مدرس دانشگاه هنر سوره در زمینه‌ی خوشنویسی و طراحی حروف و انجمن خوشنویسان شیراز در زمینه‌ی خط نستعلیق.









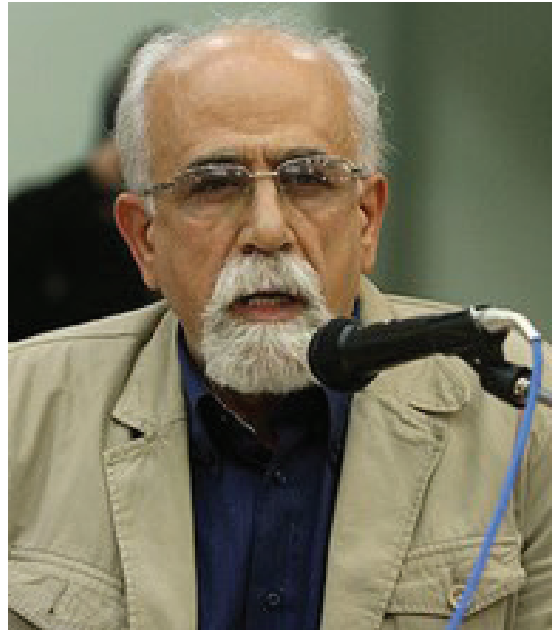


## تاریخ سرودن دوغزل حافظ

منصور پایمرد

حافظ‌پژوه و مدرس کلاس‌های حافظ‌خوانی

موثق و معتبر برای شناخت تطوّر شعر و اندیشه‌اش دیوان اشعار اوست. بدیهی‌ست که یافتن محدوده‌ی سرایش هر غزل خواجه، از هر راه و به هر شیوه‌ای، می‌تواند قدمی در راه شناخت بیش‌تر شعر و سیر تطور اندیشه‌اش باشد. در ادامه با استفاده از نشانه‌های موجود در دوغزل خواجه و با بهره‌گرفتن از روش تاریخ‌مقارنه‌ای و تطبیق تاریخ قمری با شمسی، کوشیده‌ایم تاریخ تقریبی دوغزل را به دست دهیم.



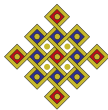
### غزل اول :::

عید است و آخرگل و یاران در انتظار  
ساقی به روی شاه بین ماه و می بیار  
دل برگرفته بودم از ایام گل ولی  
کاری بکرد همت پاکان روزه‌دار  
دل در جهان میند و به مستی سؤال کن  
از فیض جام و قصه جمشید کامگار  
جز نقد جان به دست ندارم شراب کو  
کان نیز بر کرشمه‌ی ساقی کنم نثار  
خوش دولتی ست خرم و خوش خسروی کریم  
یارب ز چشم زخم زمانش نگاه دار  
می خور به شعر بنده که زیبایی دگر دهد  
جام مرصع تو بدین دُر شاهوار  
گرفت شد سحور چه نقصان صبوح هست  
از می‌گنند روزه گشا طالبان یار  
زان جا که پرده‌پوشی عفو کریم توست  
بر قلب ما ببخش که نقدی ست کم‌عیار  
ترسم که روز حشر عنان بر عنان رود  
تسبیح شیخ و خرقة‌ی رند شراب‌خوار  
حافظ چو رفت روزه و گل نیز می‌رود  
ناچار باده نوش که از دست رفت کار

(غزل ۲۴۶، تصحیح غنی-قزوینی)

امروزه مرسوم است که شاعران اغلب در زیر سروده‌هایشان تاریخ سرایش هر شعر را بیان می‌کنند، یا در پشت جلد مجموعه‌اشعاری که منتشر می‌کنند، به محدوده‌ی سال‌های سرایش اشعارشان در آن مجموعه اشاره می‌کنند و این کار، کمکی‌ست تا سیر تطوّر شعر و اندیشه‌ی آن شاعر را براساس مدوّن‌کردن اشعارش از جوانی تا پیرانه‌سری به دست آوریم و محقق و یا منتقد براساس آن، به داوری نتیجه‌ی کار آن هنرمند بپردازد. اما در بررسی اشعار سخنوران گذشته‌مان که اغلب حتی تاریخ تولد و وفاتشان نیز در پرده‌ی ابهام است، دست‌یابی به تغییر و تحولات زندگی و طبقه‌بندی آثارشان، بسیار مشکل و گاه غیرممکن می‌نماید. از جمله‌ی این سخنوران بزرگ می‌توان از حافظ نام برد که چون نمی‌توانیم اشعارش را براساس سال‌های سرایش مدون کنیم، درک درستی از مسیر زندگی و سیر اندیشه‌اش نداریم.

از حافظ جز اینکه نامش «شمس‌الدین محمد» و تخلصش «حافظ» بوده است، دیگر هرچه که از زندگی شخصی و خانوادگی‌اش گفته‌اند و می‌گویند، همه با اگر و اما همراه است، حتی تاریخ تولد و سال وفاتش. بنابراین تنها منبع







تاریخ شمسی	۳۰ رمضان (عید فطر)	تاریخ شمسی	۳۰ رمضان (عید فطر)
۷۴۵/۰۳/۲۸	۷۶۷	۷۱۳/۰۳/۲۲	۷۳۴
۷۴۶/۰۳/۱۷	۷۶۸	۷۱۴/۰۳/۱۱	۷۳۵
۷۴۷/۰۳/۰۷	۷۶۹	۷۱۵/۰۲/۳۱	۷۳۶
۷۴۸/۰۲/۲۷	۷۷۰	۷۱۶/۰۲/۲۰	۷۳۷
۷۴۹/۰۲/۱۵	۷۷۱	۷۱۷/۰۲/۰۹	۷۳۸
۷۵۰/۰۲/۰۵	۷۷۲	۷۱۸/۰۱/۳۰	۷۳۹
۷۵۱/۰۱/۲۵	۷۷۳	۷۱۹/۰۱/۱۹	۷۴۰
۷۵۲/۰۱/۱۴	۷۷۴	۷۲۰/۰۱/۰۷	۷۴۱
۷۵۳/۰۱/۰۳	۷۷۵	۷۲۰/۱۲/۲۰	۷۴۲
۷۵۳/۱۲/۲۱	۷۷۶	۷۲۱/۱۲/۱۵	۷۴۳
۷۵۴/۱۲/۱۱	۷۷۷	۷۲۲/۱۲/۰۴	۷۴۴

را همت پاکان روزه‌دار می‌داند که به نیت پاک و دعای خالصانه‌شان فصل بهارانه‌ی عیش و نوش از دست نرفته است.

طبق جدول تبدیل سال‌ها، از سال ۷۳۳ تا ۷۳۵، یعنی به مدت سه سال، عید فطر در ماه خرداد بوده است. اگر سال تولد حافظ را حدوداً ۷۲۰ فرض کنیم، که بسیاری از حافظ پژوهان بر آن اتفاق نظر دارند،<sup>۱</sup> حافظ در این سال‌ها، دوران نوجوانی خویش را می‌گذرانده است و خیلی بعید است که شعری از نظر زبانی چنین مستحکم از سروده‌های نوجوانی او باشد. زبان غزل، نشان‌دهنده‌ی دوران پختگی شعری حافظ است. البته تا حدودی مشخص است که شعر از دل برنیامده و ساخت و بافتی قصیده‌گونه دارد و تکلف و تصنع در آن، خود را به چشم می‌کشد. بیت زبده‌اش که ضرب‌المثل شده و به زبان مردم کوچه و بازار راه گشوده است، این است:

ترسم که روز حشر عنان بر عنان رود  
تسبیح شیخ خرّقه‌ی رند شراب‌خوار

با بیان این مقدمه‌ها، می‌توان گفت این غزل در یکی از اعیاد رمضان سال‌های ۷۶۷ تا ۷۶۹ که با خردادماه مقارن بوده، سروده شده است و البته احتمال خردادماه ۷۶۹ بیش‌تر است.

سال ۷۶۷ مقارن است با بازگشت شاه‌شجاع از کرمان به ۱. رک: پایمرد، منصور (۱۳۹۸). زندگی حافظ شیرازی (برپایه‌ی اشعار نشانه‌دار تاریخی)، تهران: خاموش. صص ۵۸-۵۹.

در مطلع غزل، حافظ به فرارسیدن عید رمضان و تقارن این ماه با پایان‌گرفتن فصل گل (=بهار) اشاره دارد. نکته‌ای که برای اهالی شیراز بدیهی‌ست؛ اما یادآوریش برای دیگران در اینجا ضروری می‌نماید و به درک اشعاری که شاعران درباره‌ی بهار شیراز سروده‌اند، کمک می‌کند این است که بهار شیراز معمولاً از اوایل اسفند شروع می‌شود و تا اواخر اردیبهشت ادامه می‌یابد و خرداد گرچه از نظر تقویمی جزء فصل بهار به‌شمار می‌آید؛ اما به سبب گرم شدن هوا در شیراز، تقریباً این ماه با تابستان پهلو می‌زند؛ بنابراین بهار شیراز را صرفاً براساس بهار تقویمی، نباید محاسبه کرد. با این توضیح به سراغ غزل برویم.

براساس تقویم قمری، هر سی و پنج سال یک بار امکان دارد عید رمضان با نوروز مقارن شود. با توجه به اینکه سن حافظ را حدود هفتاد و چند سال تخمین می‌زنند، فقط امکان دارد در طول دوره‌ی زندگی خواجه دوبار چنین اتفاقی رخ داده باشد؛ یک بار در جوانی حافظ و بار دیگر در پیرانه‌سری او.

گفتیم که آخر فصل گل در شیراز، اردیبهشت‌ماه است. می‌بینیم که در بیت دوم غزل، خواجه یادآور می‌شود که تصور می‌کردم رمضان که به پایان برسد، دیگر نشانه‌ای از فصل گل برجا نمانده و وقت عیش و نوش بهارانه از دست رفته باشد؛ اما آنچنان که از فحوای بیت مستفاد می‌شود، گویا آن سال به سبب خنکی هوا، فصل گل تا خردادماه هم کشیده شده است و حافظ سبب این امر



(بهار) تأکید دارد و به طور ضمنی به ناپایداری عمر آدمی و درک اغتنام فرصت اشاره می‌کند:

گل عزیز است غنیمت شمردش صحبت  
که به باغ آمد از این راه و از آن خواهد شد

می‌توان چنین استنباط کرد که این غزل در سال‌هایی سروده شده است که ماه شعبان با آغاز بهار هم‌زمانی پیدا کرده است. شکی نیست که این غزل نمی‌تواند از غزل‌های دوره‌ی جوانی حافظ باشد؛ زبان پخته و وجود بن‌مایه‌هایی عرفانی که از خصوصیات غزل‌های حافظانه است، هرکسی را که اندک آشنایی با سبک و سیاق شعر حافظ داشته باشد، قانع می‌کند که این غزل باید از اشعار روزگار پختگی و دوران پیرانه‌سری حافظ باشد. با عنایت به این موضوع و با توجه به این نکته که فصل گل در شیراز از اسفندماه آغاز می‌شود و همچنین با تطبیق به جدول ارائه‌شده، این غزل، باید در یکی از سال‌های ۷۷۱ تا ۷۷۴ که ماه شعبان با ماه اسفند یا فروردین مصادف بوده است و دوره‌ی حکومت شاه شجاع بر شیراز است، سروده شده باشد.



شیراز و آغاز دوره‌ی دوم حکومت او، پس از دو سال که برادرش شاه محمود و آل جلایر بر شیراز حکومت می‌کردند و این بازگشت همراه است با تغییر رفتار و اخلاق نسبتاً آزادمنشانه‌اش به مشی متظاهرانه و زاهدانه که منجر به اختلاف و کدورتش با حافظ می‌شود و سرانجام به سفر تبعیدگونه‌ی خواجه به یزد می‌انجامد. می‌توان احتمال داد، لحن خشک و متکلفانه‌ی این غزل خواجه نیز، برخاسته از همین کدورت روابط باشد که آن را با فضای صمیمی غزل‌هایی که حافظ در ابتدای به حکومت رسیدن شاه شجاع سروده، متفاوت می‌کند.

### ::: غزل دوم :::

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد

عالم بید دگر باره جوان خواهد شد

ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد

چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد

این تطاول که کشید از غم هجران بلبل

تا سراپرده‌ی گل نعره‌زنان خواهد شد

گر ز مسجد به خرابات شدم خرده مگیر

مجلس وعظ دراز است و زمان خواهد شد

ای دل ارعشرت امروز به فردا فکنی

مایه‌ی نقد بقا را که ضمان خواهد شد

ماه شعبان منه از دست قدح کاین خورشید

از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد

گل عزیز است غنیمت شمردش صحبت

که به باغ آمد از این راه و از آن خواهد شد

مطربا، مجلس انس است غزل خوان و سرود

چند گویی که چنین رفت و چنان خواهد شد

حافظ از بهر تو آمد سوی اقلیم وجود

قدمی نه به وداعش که روان خواهد شد

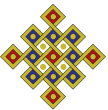
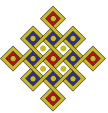
(غزل ۱۶۴، همان)

این غزل، از سروده‌های شهره و شاخص خواجه است. در این غزل، ضمن بیان دگرگونی‌های طبیعت و فرارسیدن بهار، به تقارن ماه شعبان با فصل گل یا همان فصل بهار اشاره می‌کند:

ماه شعبان منه از دست قدح کاین خورشید

از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد

و بعد بر غنیمت دانستن گل، ناپایداری آن و فصل گل







ادبیات فارسی فارغ‌التحصیل شد. دکتر حمیدیان در عرصه‌های مختلفی از ادبیات ایران و جهان دارای پژوهش و تألیف است. آثار وی، حوزه‌های گسترده‌ای را از تألیف، تصحیح و لغت‌پژوهی گرفته تا ترجمه و ویرایش دربرمی‌گیرد. از آثار ایشان، اعم از ترجمه و تألیف، می‌توان به اصول نقد ادبی (ای. ریچاردز)، ایوانف (آنتوان چخوف)، دنیای قشنگ نو (آلدوس هاکسلی)، اصول دگردیسی (رونالد دگرگونی‌های شعر نیما یوشیج)، سعدی در غزل، آرمانشهر زیبایی، درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی و... اشاره کرد.

مهم‌ترین اثر دکتر حمیدیان در حوزه‌ی حافظ‌پژوهی، کتاب «شرح شوق» است که قریب سی سال از عمر خود را صرف پژوهش، نگارش و آماده‌سازی آن کرده است. این کتاب، در پنج مجلد تألیف شده و به شرح و تحلیل اشعار حافظ اختصاص دارد. شرح شوق، برنده‌ی سی‌ودومین جایزه‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، در بخش ادبیات شد. مرکز حافظ‌شناسی در بیست‌ویکمین دوره‌ی یادروز حافظ (سال ۱۳۹۶)، پنجمین «نشان درجه‌ی یک علمی حافظ‌پژوهی» را به پاس تلاش در عرصه‌ی حافظ‌پژوهی، به ایشان اعطا کرد. در آستانه‌ی هفتادوپنج‌سالگی استاد حمیدیان، نشریه‌ی آینه‌دار جمال با ایشان گفت‌وگویی اختصاصی صورت داده است که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم:

**با سلام و سپاس از اینکه دعوت ما را برای مصاحبه**



دکتر سعید حمیدیان (زاده‌ی ۱۳۲۴ در تهران) نویسنده، مترجم، حافظ‌پژوه ایرانی و استاد بازنشسته‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی است. وی در سال ۱۳۴۳ به دانشگاه تهران راه یافت و در مقطع کارشناسی رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۵۰ به‌عنوان نفر اول امتحانات ورودی در دوره‌ی کارشناسی ارشد پذیرفته شد و این دوره را در سال ۱۳۵۲ با رتبه‌ی ممتاز سپری کرد. در همین سال به‌عنوان نفر اول کنکور، در دوره‌ی دکتری زبان و ادبیات دانشگاه تهران پذیرفته شد و به سال ۱۳۵۴، از همان دانشگاه در مقطع دکتری زبان و

### پذیرفتید، لطفا بفرمایید

**۱. با کدامیک از محورهای اندیشه‌ی حافظ، بیشتر مانوس هستید یا تلاش می‌کنید در زندگیتان همواره در نظر داشته باشید؟**

با طرح چنین پرسشی، شاید مخاطبان شما گمان برند که خواجه‌ی بزرگ ما فیلسوف نیز بوده و مطابق شیوه‌ی حافظ‌پژوهی روزگار ما این ویژگی را نیز بر دیگر صفات این هنرور آسمان‌جاه بیفزایند؛ حال آنکه، خواجه با هنری چونین جهانگیر در پهنه‌ی شعر و ادب، نیازی به اندیشه‌ای از گونه‌ی فیلسوفانه نداشته است، و آنگاه بیاییم از محورهای «اندیشه» گویا کنیم. حافظ اگر اندیشه‌ای دارد، به زبان هنر

می‌گوید و بس. آنچه هم که در اشعار تعبیر به اندیشه می‌شود، اغلب از نوعی ست که کم یا بیش، از سنخ افکار متعارف است و نه اندیشه به معنای صرف فلسفه و هنر، چیزی جز این نیست. کدام فلسفه و اندیشه‌ی صرف را می‌شناسیم که به زبان شعری نظم باشد و به چنین توفیق یا تأثیری نائل شده باشد؟

### ۲. شما انسان را در اشعار حافظ چگونه می‌بینید؟

انسان در شعر حافظ، در برترین ساحت می‌تواند به درگاه الوهی عروج کند؛ لیکن در ساحتی فروتر ممکن است به ورطه‌ی گناه و هواجس نفسانی بلغزد که از این حیث





بی‌انصافی است اگر از حافظ‌نامه‌ی جناب خرمشاهی، دوست فاضلم، یادی نکنم که شرحی خوب و راهگشاست.

### ۸. برخورد محافل ادبی و دانشگاه‌ها را با دیوان حافظ چگونه ارزیابی می‌کنید؟

برخورد محافل یادشده اغلب در حدود متوسط با رفع تکلیف بوده و گرنه می‌توانستیم شاهد کارهایی بس بهتر از سوی آن‌ها باشیم.

### ۹. به نظر جناب عالی برای آینده، چه مطالعاتی در زمینه‌ی حافظ‌پژوهی در اولویت است؟ و چه پیشنهادی برای پژوهشگران دارید.

بنده کمتر از آن است که در این باب ارائه‌ی طریق کنم، ولی به‌گفته‌ی حزین لاهیجی: «نیارم چون جرس برداشت از دوش کسی باری / همین گم‌کرده راهان را صلابی می‌توانم زد». کافی ست اکثر قریب به اتفاق کارهای «پربزرگ ولی کم‌مایه» را دور بریزید، آنگاه «خود راه بگویدت که چون باید رفت».

### ۱۰. فعالیت‌های مرکز حافظ‌شناسی را در طول این سالیان چگونه ارزیابی می‌کنید و چه پیشنهادی برای ادامه‌ی فعالیت‌های این مرکز دارید؟

فعالیت‌های مرکز حافظ‌شناسی، به‌ویژه آنچه تحت اشراف دوست فاضل، خوش‌فکر، مبتکر و نوجوی این کمترین انجام‌یافته، بدون هیچ‌گونه تکلف و تعارفی، بی‌نیاز از هرگونه تعریفی بوده است. از من نخواهید که «سرود یاد مستان دهم». دست جناب دکتر کاووس حسن‌لی و جمله یاریگران ایشان درد نکند و نام‌گرامیشان همواره زیب دفتر حافظ‌پژوهی باد.

### ۱۱. یک بیت یا یک غزل از حافظ را که بیش‌تر با آن مانوس هستید و یا به آن علاقه‌ی بیش‌تری دارید لطفاً بنویسید، یا اگر خاطره‌ای اگر با شعر حافظ دارید بیان کنید.

از من خواستید به پرسش‌هایی پاسخ دهم، فرمان بردم؛ اما من نیز به‌نوبه‌ی خود می‌خواهم از کسی که افتخار داشته سال‌های آزرگار با شعر و هنر خواجه به سر آورد، گزینش یک بیت یا غزل را درخواست نفرمایید و وی را به این گردنه و گراته‌ی صعب نیفکنید. ایام به کام بادا.

مصاحبه‌کننده: سعیده رضازاده

شبهات به انسان در دیدگاه استاد حافظ (سعدی) دارد که فرمود: «وما ابری نفسی و لا ازکیها/ که هرچه نقل کنند از بشر در امکان است».

فرق حافظ و سعدی که به تعبیر بنده شاعرانی «عرفان‌گرا» یعنی دارای گرایش به عرفان‌اند، با امثال عطار و مولانا که «عارف»‌اند در همین نگاه است. دید بنده هم در حول و حوش سنخ سعدی و حافظ است.

### ۱۳. به نظر شما پیام حافظ برای انسان‌های معاصر چیست؟ و نسل جدید تا چه اندازه به حافظ نیازمند است؟

پیام‌های موجود در شماری از اشعار او برای تمامی انسان‌ها عمومیت دارد و اختصاصی به معاصران ندارد.

### ۱۴. کدام وجه حافظ (اجتماعی، عرفانی، زیبایی‌شناسی و...) را مهم‌تر از وجه دیگر می‌بینید؟ و چرا؟

هر وجه حافظ (وهر شاعر و هنرمند دیگر) شایان توجه و پژوهش است. برای من هم همین‌گونه است.

### ۱۵. بارزترین ویژگی حافظ را چه می‌دانید؟

بارزترین ویژگی او در قدرت، رسایی و لطافت بیان، زبان بسیار پاکیزه و تقریباً عاری از عوامل مخرب و سرشار از هنرهای شکلی است. تنوع فراوان مضامین را نیز نباید از نظر دور داشت.

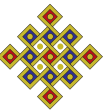
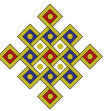
### ۱۶. در یکمصد سال اخیر پژوهش‌های گوناگونی درباره‌ی شعر و اندیشه‌ی حافظ انجام یافته است؛ در یک ارزیابی کلی به نظر شما چه ضعف‌ها و آسیب‌هایی در مطالعات حافظ‌پژوهی گذشته وجود دارد؟

بیش‌ترین ضعف‌ها و کاستی‌ها در حافظ‌پژوهی به سده‌ی کنونی برمی‌گردد؛ به کم‌سوادی و کم‌اطلاعی پژوهشگران، عدم مطالعه یا قلت آگاهی از متونی به‌جز دیوان خواجه، بیش‌ازحد وی را امروزین فرامودن، افراط در مطلق‌سازی، حافظ را چشم‌پسته و مطلقاً در هر زمینه برتر از دیگر بزرگان شعر پارسی خواندن، قدسی و عرشی پنداشتن او و اشعارش، ترویج سنن منسوخ و تحمیق‌کننده مثل تفال با دیوان او، انتساب امور مدرن به او و نظایر این‌هاست (من در کتاب ۵جلدی شرح شوق به‌قدر کافی در این ابواب نوشته‌ام).

### ۱۷. به نظر حضرت‌عالی بهترین شرح و تصحیح از دیوان حافظ و همچنین بهترین تألیف در پیوند با حافظ کدام است و چرا؟ (یک یا چند مورد را نام ببرید).

بهترین تصحیح‌ها در عصر ما یکی دیوان حافظ به تصحیح علامه محمد قزوینی و دیگر تصحیح دکتر پرویز خانلری (استاد فقید این بنده) است، اما بسیاری تصحیحات خوب دیگر نیز هست که ذکر آن‌ها فهرستی بلندبالا می‌طلبد.

و اما درباره‌ی بهترین شرح اشعار او، از شرح ناقابل این حقیر (که در حدود سی‌ویک سال وقت برد) می‌گذرم، لیکن





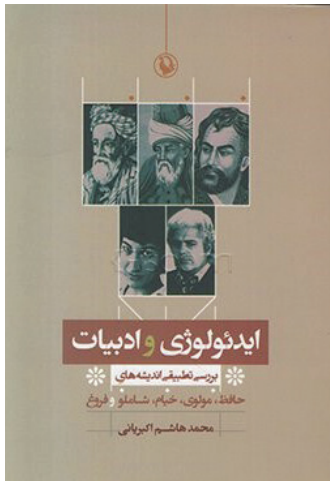


## «ایدئولوژی و ادبیات؛ بررسی تطبیقی اندیشه‌های حافظ، مولوی، خیام، شاملو و فروغ»

... اثر محمد هاشم اکبریانی ...

به قلم دکتر محمد حسین امانت

دانش‌آموخته‌ی دکتری ادبیات غنایی دانشگاه شیراز



و برجسته، یعنی حافظ و مولوی چه دارد که به سرایش شعرهایی با مضمون بندگی و مریدبودن می‌انجامد. برای روشن‌شدن پاسخ این مسأله، عرفان حافظ و مولوی در برابر فلسفه‌ی خیام قرار می‌گیرد و باورهای عرفانی حافظ و مولوی همچون مرادباوری،

مطلق‌گرایی، اطاعت مطلق و پیروی محض، انفعال در برابر مراد و خودکامگی، بررسی و نقد می‌شود.

در فصل سوم با عنوان «حافظی که متعصب است»؛ اکبریانی به‌طور مستقل، به بررسی و تحلیل شعر حافظ می‌پردازد تا به باور خود، ثابت کند این شاعر استبدادستیز و تعصب‌گریز، در بیان باورهای خود بسیار متعصب است. درحقیقت نویسنده، در این فصل قصد دارد با ارائه‌ی شواهدی، جزم‌اندیشی و تعصب حافظ را در اشعارش، نشان دهد. او نگاه قطبی حافظ را از نشانه‌های بارز تعصب می‌داند و معتقد است، این قطبی‌سازی و نفی زاهد، صوفی، واعظ، شیخ و فقیه، به قطبی‌کردن گروه‌ها و افراد محدود نمی‌شود و روش‌ها و ابزار رسیدن به حقیقت همچون روش عقلی را نیز دربرمی‌گیرد و حافظ با نفی و انکار قاطعانه‌ی عقل در برابر عشق، معتقد است که روش عقلی، به‌سوی حقیقت هرگز راهگشا نخواهد بود. بدین منظور نویسنده‌ی این کتاب، اسطوره‌سازی و خودستایی را مصداق‌های بارز جزم‌اندیشی حافظ می‌داند.

در آخر باید گفت، کتاب **ایدئولوژی و ادبیات**، شاید به دلیل روحیه‌ی روزنامه‌نگاری نویسنده‌ی آن و همچنین ماهیت پیشین فصل‌های آن، یعنی چاپ نسخه‌های اولیه‌ی فصل‌ها، در روزنامه‌ها و نشریات مختلف، کتابی خوش‌خوان و مختصر و بعضاً مفید است. همچنین مباحث مطرح‌شده درباره‌ی حافظ و شعر او در این کتاب و به‌طور کلی بررسی متن‌های کهن با مفاهیم معاصر، به هر حال جذاب و شایان توجه است و البته با توجه به برخی عوامل همچون زمانه‌ی شاعر، سنت‌های شعری، سبک شاعر و نظرات متفاوت پژوهشگران، قابل تأمل.

بازنگری متن‌های کهن با رویکردهای جدید، همواره برای ادب‌دوستان، هم چالش‌برانگیز و هم جذاب بوده است. اکبریانی در **ایدئولوژی و ادبیات** تلاش کرده است با نگاهی تازه به اندیشه‌های شاعران کهنی همچون حافظ، مولوی و خیام و مقایسه‌ی آن با اندیشه‌های شاعران معاصر همچون شاملو و فرخزاد بپردازد.

کتاب **ایدئولوژی و ادبیات** با تیراژ ۵۵۰ نسخه‌ای در ۲۶۳ صفحه، تاکنون دوبار در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ به‌همت نشر مروارید، به چاپ رسیده است. این کتاب در شانزده فصل، شامل مجموعه مقالاتی است که در چارچوب جامعه‌شناسی ادبیات، به بررسی تطبیقی اندیشه‌های حافظ، مولوی، خیام، شاملو و فروغ می‌پردازد.

به اعتقاد نویسنده، چکیده‌ی کلام این مقالات این است که شعر به‌عنوان محملی از اندیشه‌های ایرانی از ابتدا شاهد دو شاخه بوده است: شاخه‌ای که بنای آن بر تمرکزگرایی در اندیشه و عمل بوده و شاخه‌ای دیگر که بر تکثرتکیه داده است. اکبریانی، برای ردیابی این دو شاخه، از شعرهای حافظ و مولوی و خیام شروع کرده و به شعر معاصر شاعرانی همچون شاملو و فروغ رسیده است.

کمتر از نیمی از این کتاب، در سه فصل با عنوان‌های «رویارویی عرفان و تجدد»، «جزم‌اندیشی حافظ و مولوی» و «حافظی که متعصب است»؛ مستقیم و غیرمستقیم، به شعر حافظ و اندیشه‌های بازتاب داده‌شده در آن اختصاص دارد. آیا حافظ تعصب‌ستیز، خود شاعری متعصب است؟ درواقع، پاسخ به این پرسش درونمایه‌ی اصلی این سه بخش از کتاب محمد هاشم اکبریانی؛ روزنامه‌نگار باسابقه است.

در فصل نخست، با عنوان «رویارویی عرفان و تجدد»، اکبریانی با پرداختن به مفاهیم متقابلی همچون «عقل‌ستیزی و عقل‌گرایی»، «تمرکزگرایی و تکثرگرایی» و «حکومت‌های اقتدارگرا و حکومت‌های دموکراتیک» شالوده‌ی نظری مباحث فصل‌های بعدی کتاب **ایدئولوژی و ادبیات** را پی می‌ریزد.

در فصل دوم، با عنوان «جزم‌اندیشی حافظ و مولوی؛ مقایسه‌ی افکار خیام با دو شاعر عارف»، نویسنده با بیان شواهد شعری، به دنبال پاسخ به این سوال است که اندیشه‌های دو شاعر بزرگ

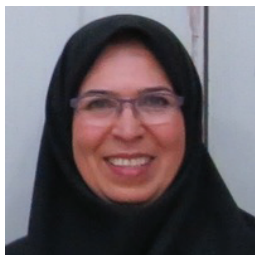




## Sagacious Thought and Brahmin's opinion

::: Manizheh Abdollahi :::

Associate prof. Of Persian Language and Literature,  
Shiraz University of Medical Sciences



As mentioned in the previous article, one of the main reasons for the general popularity of Hafiz's poetry is the special attention he gives to the ethical and righteous foundations of Iranian people, which has been going on in the culture and thought of Iranian and Persian-speaking people since ancient times. In the previous article, one of the three teachings that Zarathustra proposed for the good of the people was referred to as the doctrine of "good words" and its reflection in Hafiz's poetry. In the present article, the concept of "good thoughts", closely related to "good deeds" is elaborated in the context of Hafiz's words.

The concept of "good thoughts" has been expressed by Hafiz with the terms "correct thought"<sup>1</sup> and "reasonable thought"<sup>2</sup>. In Dekhoda, the meaning of "thought" is considered to be the same as 'thinking' which means "conscious activity of the mind to find something". By choosing the two adjectives "correct" and "reasonable" for thought, Hafiz uses precisely the same meaning for thought, the "conscious activity" of the mind. The word 'thought' and other similar words, such as thinking, wisdom, reflection, imagination, judgement, conscience, prudence, intention, melancholy are commonly found in Hafiz's poetry.

However, in one single *ghazal*, for instance, Hafiz has taken a different approach, paying

attention to several manifestations of the concept of thinking or thought, as shown in the following *ghazal*, beginning with:

Two sprightly friends, two *mans*'<sup>3</sup>  
moreover of wine that has long been  
stored. /A leisure hour, a page to muse on,  
a nook on the verdant sward<sup>(1)</sup>

In this *ghazal*, different manifestations of thinking, in a very general sense of good thoughts, have been presented. However, the context of the *ghazal* helps the reader to discover various meanings of "good thoughts". Here, good thinking is so important to Hafiz that the poet implicitly appeals to the wise men to change the unfavorable ambience, described in the *ghazal*, to a favorable one. In the opening stanza of this *ghazal*, for instance, Hafiz clearly refers to a scaring and odd situation, describing a threatening time, so fearsome that he is looking for a place to take refuge. He feels relieved if he can only relax himself by sitting on the grass. Most Hafiz scholars assume that the composition of this *ghazal* was because of Timur, the vicious conqueror, who invaded Shiraz. It is noticed that whenever Hafiz falls on hard time (political, emotional, mystical distress (*Qabz*)), he first turns to love, then to his beloved, and last to the wine, butler or sometimes to the music and musicians, as observed below:

If, the heart's grief from our memory, the  
cup do not/The foundation of our work,  
the anxiety of the vicissitudes will<sup>(2)</sup>

However, in the opening of the *ghazal* under discussion, Hafiz, instead of butler (*Saqi Golrokh*) and ornate wine glass (*Jam-e-Marsa*) and the beautiful beloved, asks for

3 "Man" is the measuring scale which equals to 3 kilograms.





the companionship of two friends who are described as shrewd and clever. Here, the poet longs the presence of two friends. This implies that he is after spending some time with two friends, not the beloved. Also, instead of delicate and ornate cups, he asks for wine in large volume (*do (2) mans*), implying drinking wine in a friendly condition with no formalities. Furthermore, he likes to sit and drink with them on the grass, not in a tavern, and not listening to the music or enjoying watching the dancer. Finally, instead of any means of comfort and enjoyment, he asks for a book (probably, a book of poetry). The bizarre combination of these elements, namely, book, clever friends, etc., astonishes the reader<sup>4</sup>. With the employment of the minimum words possible and maximum ambiguity, the poet attempts to show an ominous incident, an incident so terrible that he metaphorically describes it as “the turmoil of incidence”. The point to consider is that after all bad happenings in chaotic times, perhaps with the intention of compensating all those ruins, at the end of the lyric, Hafiz turns to the wise man or *Hakim*<sup>5</sup> again, as observed in the following stanza:

The vigour of the age, O HAFIZ is crushed  
by this heavy woe;/ Can the physician's art  
avail us, or all that the Brahmins know?<sup>(3)</sup>

Having reflected on this stanza, the reader might astonish that the poet, instead of seeking help from the usual helpers: love, the beloved, wine and butler, and instead of seeking help from God or asking for help from the true believers, has turned to the sage and Brahmin's reasoning and wisdom. It should be noted that Hafiz, in addition to believing in God's help and the efforts and prayers of the mystic (the *Pir*) (whose approval and positive approach, according to Hafiz, would solves

all problems), sometimes considers his own efforts and prayers effective.<sup>6</sup>

Furthermore, in the face of hard time, poverty and solitude of dark nights, Hafiz's weapon is usually to resort to the night and dawn cry, the prayers and reading Qur'an, the effort of Hafiz himself, the blessing of the dawn prayer, the will of the *Pir* and the sigh of the oppressed. But in this special *ghazal*, which is perhaps the toughest time he has faced during his lifetime, he has sought help from the thinker. Perhaps it can be said that Hafiz considers love as his only helper at the time of personal turmoil, but in facing more serious hardships and public sufferings and pain, Hafiz holds on to the logical thought arising from wisdom and knowledge, and considers wise reasoning as the only way to salvation. And this might best be interpreted as “good thoughts”. In this case, perhaps Hafiz's unambiguous use of the word “Brahmin”, which is semantically equivalent to sage, vividly manifests the long presence of the wisdom of the ancient sages. The poet, facing life's turmoil which is so hard that nobody and nothing can be the savior, turns to the wise for help. This is the best example of the status of “good thoughts”, in Hafiz's mindset, as the only way to salvation.

#### Notes:

- ۱- دو یار زیرک و از باده کهن دومی / فراغتی و کتابی و گوشه چمنی
- ۲- اگر نه باده غم دل زیاد ما ببرد / نهیب حادثه بنیاد ما ز
- ۳- مزاج دهر تبه شد در این بلا حافظ / کجاست فکر حکیمی  
و رای برهمنی

#### Reference

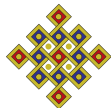
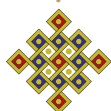
Salami, Ismail (compiler & translator) (2005). *The Divan of Hafiz*. Tehran: Forough Danesh.

4 For this reason, some commentators have doubted the inclusion of the word clever in this *ghazal* and have considered it as a delicate replacement for the word 'slender friend', implying the beloved. This interpretation has a number of semantic problems, which is beyond the scope of this article. This might suffice to indicate that asking for a clever friend and book in this poem is a kind of norm-breaking in traditional lyrics.

5 *Hakim* here refers to a physician who is a wise philosopher, as well.

6 In his poems, he has threatened the oppressors and tyrants several times that his deep sigh would badly affect them. Plus, once he has claimed that the will of Hafiz is man's savior of the worldly grief:

I was HAFIZ, divinely inspired that I attained such height/ It  
was God's mercy that time's sorrow for me waived





### از صدای سخن عشق ندیدم خوش تر یادگاری که در این گنبد دوار بماند

یکی از عزیزترین فرزندان ملت ایران به سوی آسمان پرکشید. بیش از نیم قرن است که مردم ما در بسیاری از شادی‌ها و غم‌هایشان به صدای دلنشین او پناه برده‌اند. هنگامی که شعر ملکوتی حافظ با صدای داوودی شجریان همراه می‌شود، بی‌همانندی هنر او بیش از همیشه چهره می‌نماید. بی‌گمان هیچ هنرمندی تاکنون به شایستگی استاد بی‌همتای آواز ایران زنده‌یاد استاد محمدرضا شجریان، شعر حافظ را در ذهن و ضمیر مردم ما نگسترده است. شجریان نام خود را به جاودانگی حافظ‌گره زده و ماندگار کرده است. یادروز حافظ ۱۳۹۹، با سوگ او همزمان شده است. مرکز حافظ‌شناسی همراه با این سوگ سراسری و اندوه بی‌ریای مردمی، داغدارانه به همگان تسلیت می‌گوید و برای بازماندگان استاد، که همه‌ی مردم ایرانند از خداوند مهربان شکیبایی و تندرستی آرزو می‌کند.

### مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ

#### نشریه «آینه‌دار جمال»

وابسته به مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ

صاحب امتیاز: مرکز حافظ‌شناسی | مدیرمسئول: کاووس حسن‌لی  
 سردبیر: سعیده رضازاده | صفحه‌آرا: محسن گل‌آرایش  
 همکاران این شماره: محمدحسین امانت | سمیرا بختیاری‌نسب | منصور بایمرد | منیژه عبدالهی | ماندانا فیروزآبادی | علیرضا کریم‌پورا | ثمین کمالی | فرزانه معینی | الهه نخعی  
 نشانی: شیراز، حافظیه، مرکز حافظ‌شناسی | کدپستی: ۷۱۴۶۶۹۱۱۳۶ | شماره تماس: ۰۷۱۳۲۲۸۸۶۱۴  
 وبگاه: www.hafezstudies.com | رایانامه: hafezstudies@gmail.com

hafezstudiescenter



کرسی پژوهشی حافظ، از سوی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور اعطا شده است.

